

بررسی چگونگی مدیریت «بحران ترور» در سال ۱۳۵۸ (مطالعه موردی گروهک فرقان)

حسن رحیمی‌روشن^۱، امیر عظیمی‌دولت‌آبادی^۲

چکیده

انقلاب اسلامی ایران پس از پیروزی در سال ۱۳۵۷ به‌طور هم‌زمان درگیر بحران‌های چندگانه‌ای شد. «بحران ترور» یکی از بحران‌های خطرناک و مهمی بود که توسط «گروه فرقان» در ماه‌های نخست پیروزی انقلاب دامن‌گیر جمهوری اسلامی ایران گردید. این بحران مثل همه بحران‌ها «چرخه بحران» شامل ظهور، اوج‌گیری و گسترش و افول را طی کرد. بنابراین واجد همه شرایطی است که یک بحران تمام‌عیار دارد. پرسش مقاله این است که با توجه به فضای نسبتاً آناشیک سال ۱۳۵۸ بحران گروهک فرقان به‌عنوان «اولین بحران ترور» چگونه مدیریت شد؟ این مقاله با تکیه بر «نظریات مدیریت بحران» با روش تحلیلی - توصیفی و با ابزار کتابخانه‌ای و بررسی اسناد موجود، به بررسی بحران ترور گروهک فرقان و نحوه مدیریت این بحران می‌پردازد. فرضیه این مقاله این‌چنین صورت‌بندی می‌شود که با توجه به فضای نابسامان حاکم بر سال اول انقلاب و در غیاب سازمان اطلاعات و امنیتی منسجم و نیز با توجه به اقتضائات زمانی، مکانی، راهکار اتخاذشده در مراحل مختلف مواجهه با گروه فرقان - از بین روش‌ها و الگوهای مختلف - «روش اقتضایی» بوده است. از این‌رو پس از بازخوانی اسناد و مدارک موجود و تحلیل روند بحران یافته مقاله اثبات فرضیه را تأیید کرده و نشان می‌دهد که مسئولین وقت انقلاب تحت تأثیر مقتضیات میدانی با بحران مواجه شده‌اند و توانستند بحران ترور را در آن مرحله متوقف کنند.

کلیدواژگان: بحران، گروه فرقان، مدیریت ترور، انقلاب اسلامی.

۱. دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم اقتصادی و اجتماعی، دانشگاه بوعلی‌سینا، همدان، ایران.

h.rahimiroushan@basu.ac.ir

۲. استادیار پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، تهران، ایران.

aazimii@yahoo.com

Examining how the "terror crisis" was managed in 1979 (case study of the Furqan group)

Hasan Rahimi roushan¹ / Amia Azami²

Abstract

After the victory of the Islamic Revolution of Iran in 1979, the Revolution was simultaneously involved in multiple crises. The "terror crisis" was one of the dangerous and important crises that the "Forghan Group" inflicted on the Islamic Republic of Iran in the first months of the victory of the revolution. Like all crises, this crisis went through a "crisis cycle" including emergence, peak, expansion, and decline, so it has all the conditions that a full-fledged crisis has. The question of the article is: given the relatively anarchic atmosphere of 1979, how was the Forghan Group crisis, as the "first terror crisis," managed? This article, relying on "crisis management theories," uses an analytical-descriptive method, library tools, and a review of existing documents to examine the Forghan Group terror crisis and how this crisis was managed. The hypothesis of this article is formulated as follows: considering the chaotic atmosphere prevailing in the first year of the revolution and in the absence of intelligence and security organizations, as well as considering the time and place requirements, the solution adopted at different stages of confronting the Furqan group - among the different methods and patterns - was the "contingency method". Therefore, after reviewing the existing documents and documents the crisis process, the article confirms the hypothesis; and shows that the officials at the time of the revolution were affected by the field requirements and were able to stop the terror crisis at that stage.

Keywords: Crisis, Furqan Group, Crisis Management. Islamic Revolution.

1. Associate Professor, Department of Political Science, Bo Ali Sina University, Hamadan, Iran.

2. Assistant Professor, Imam and Salami Revolution Research Institute

مقدمه

پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ با جهان‌بینی و ماهیتی متفاوت، نظم جهانی موجود را به چالش کشید. بنابراین، جهان در پنج دهه گذشته شاهد تنازع بقا و کشاکش جهان غرب با انقلاب اسلامی بوده است. درگیری نظام سلطه، با انقلاب اسلامی ایران در صحنه‌های مختلف سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی را تجربه کرده است. از نخستین روزهای پیروزی، بحران‌های متعدد و با ماهیت‌های مختلف از جمله «کودتا»، «ترور» «تجزیه‌طلبی» و «حمله خارجی» دولت نوپای انقلاب را به خود مشغول کرد. بحران ترور که توسط گروه کوچک فرقان آغاز شد و سپس با ترورهای وحشتناک سازمان مجاهدین خلق (منافقین) در طول سال ۱۳۶۰ و حتی سال‌های بعد ادامه یافت، از مهم‌ترین بحران‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی است. این مقاله در نظر دارد با تمرکز بر بحران ترور در سال ۱۳۵۸ نحوه مدیریت نخستین «بحران ترور» را که گروهک فرقان آغازگر آن بود، مورد بررسی قرار دهد. هدف کلی این تحقیق بازشناسی مسائل و مشکلات مواجه‌شدن نظام نوپای انقلاب اسلامی با بحران ترور است. بنابراین پرسش مقاله این است که روش مدیریت بحران گروهک فرقان چه بوده است؟ به عبارت بهتر در مدیریت اولین بحران ترور کدام‌یک از الگوهای تجربه‌شده در کنترل و خنثی‌سازی بحران‌ها به کار بسته شده است؟ فرضیه این مقاله چنین صورت‌بندی می‌شود که در روش مدیریت بحران گروهک فرقان با تکیه بر ایدئولوژی انقلابی روشی به کار رفته است که می‌توان آن را «روش اقتضایی» در مواجهه با بحران‌ها نامید. این مقاله با روش تحلیلی و توصیفی و با بهره‌گیری از ابزار کتابخانه‌ای و اسنادی به بررسی آثار مکتوب و شفاهی در مورد بحران ترور گروهک فرقان می‌پردازد. بنابراین ابتدا ادبیات و مفاهیم بحران‌ها، مورد بررسی قرار می‌گیرد و سرانجام تطبیق مراحل ظهور و سقوط گروهک فرقان با مراحل چرخه بحران انجام خواهد گرفت و سپس به جمع‌بندی از مباحث پرداخته خواهد شد.

۲. پیشینه پژوهش

در سال‌های گذشته مطالب قابل توجهی درباره گروه فرقان در برخی روزنامه‌ها و سایت‌های خبری درج شده است. اما تحقیقات دانشگاهی در مورد این گروه محدود است. به عنوان مثال، جهل مقدس؛ اکبر گودرزی (رهبر گروه فرقان) به روایت اسناد (۱۴۰۰) عنوان کتابی است که عباسعلی بخشی نگارش کرده که در آن ظهور و سقوط گروه فرقان و مبانی فکری این تشکیلات و همچنین جریان محاکمه این گروه را مورد بررسی قرار داده است. محمد یعقوبی و همکاران (۱۴۰۲) در مقاله‌ای با عنوان تبارشناسی ترورهای سیاسی در ایران از اسماعیلیه تا گروه فرقان، به دیرینگی ترور در تاریخ ایران پرداخته و نتیجه گرفته‌اند که دلایل و عوامل روی‌آوری این افراد و گروه‌ها به امر ترور، بیشتر جنبه سیاسی داشته است. همچنین وب‌گاه مرکز بررسی اسناد تاریخی (مبتا) در مقاله‌ای با عنوان نگاهی به آغاز و پایان گروه فرقان (۱۴۰۰) به سیر روند و شکل‌گیری و توصیف عملیات و پایان کارگروه فرقان پرداخته است. رسول جعفریان (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان: فرقان، برکشیده نظریه تشیع علوی و صفوی تأثیرپذیری غیرمستقیم گروه فرقان از اندیشه‌های دکتر شریعتی را برجسته کرده است. علاوه بر موارد فوق که جنبه علمی و ساختار دانشگاهی دارند، مصاحبه‌های متعددی عمدتاً با رویکرد ژورنالیستی و گزارش‌گونه منتشر شده است. هیچ‌کدام از پژوهش‌های پیش‌گفته حرکت گروه فرقان را از منظر مدیریت بحران مورد بررسی و کاوش قرار نداده‌اند و همین تفاوت عمده این آثار با مقاله حاضر است. بنابراین بررسی «چگونگی مدیریت بحران گروه فرقان» می‌تواند به الگوهای رفتاری و راهکارهای مؤثر در مواجهه با تهدیدات و پیشگیری از بحران‌های آینده کمک کند و در ارتقاء امنیت ملی و مدیریت بحران‌های نظامی و سیاسی امنیتی آینده مؤثر باشد. همچنین نتایج پژوهش می‌تواند سبب گسترش ادبیات مدیریت بحران شده و نیز مورد توجه مراکز مطالعات امنیتی و پژوهشگران حوزه امنیت قرار گیرد.

۳. مفاهیم و چهارچوب نظری

۳-۱- مدیریت بحران

واژه بحران از رشته پزشکی وارد ادبیات سیاسی شده است. درواقع ترجمه واژه پزشکی در زبان یونانی است که بر اساس آن تغییر حالت بیمار «بحران» نامیده می‌شود (کاظمی، ۱۳۶۶: ۵۲). هنگامی که اندام بیمار از حالت تعادل خارج شده و سلامتی او به خطر می‌افتد (باقری، ۱۳۸۰: ۳) در این صورت وضع بیمار را بحرانی می‌دانند. در زبان چینی، بحران به معنی هم «تهدید» و هم «فرصت» به کار رفته است (زاهد و سلطانی‌فر، ۱۳۸۸: ۳۶). واژه و مفهوم بحران در حال حاضر در حوزه‌های اقتصادی سیاسی، فرهنگی پزشکی، دیپلماتیک، نظامی، ایدئولوژیک، استراتژی، روانی، امنیتی و... مورد استفاده قرار گرفته است و شامل همه منازعات سیاسی، اجتماعی، فکری، فرهنگی و اقتصادی است (رحیمی‌روشن، ۱۴۰۰: ۲۲).

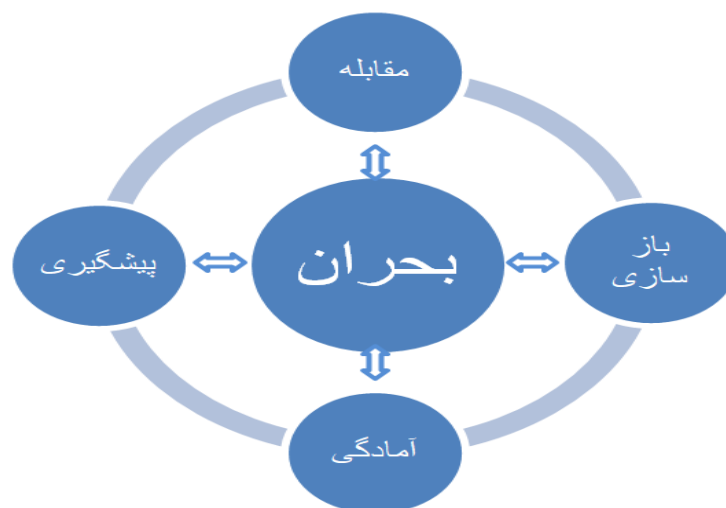
«مدیریت» معادل اداره‌کننده است و از ماده (دَوَر) که مصدر آن (دَوَران) به معنی چرخش و گردیدن است. بر این اساس مدیر کسی است که یک مجموعه یا سازمان را در جهت اهداف مورد نظر مدیریت می‌کند (اختری، ۱۳۶۹: ۲۳). به عبارتی دیگر به کارگیری منابع مادی و انسانی از طریق برنامه‌ریزی، بسیج منابع، سازمان‌دهی امکانات و هدایت و کنترل عملیات برای دستیابی به اهداف تعیین‌شده مدیریت نام دارد (رضاییان، ۱۳۷۹: ۸۹). از آنجاکه زندگی سیاسی و اجتماعی انسان همواره با مشکلات و ناملایمی‌ها عجین است و کمتر اتفاق می‌افتد که یک فرد، یک سازمان یا یک کشور دچار بحران و بی‌تعادلی نشود بنابراین با دانشی به نام «مدیریت بحران» مواجه هستیم که سعی دارد ضمن پیشگیری از وقوع بحران، در صورت ایجاد بحران آن را کنترل کرده و آثار مخرب آن را تقلیل دهد و سرانجام سازمان یا جامعه مورد نظر را به حالت تعادل بازگرداند. بنابراین واژه ترکیبی مدیریت بحران برای مواردی متعدد از جمله مشاجرات خانوادگی تا شکل‌گیری جنگ و

اعمال تروریستی و... به کار می‌رود (سهرابی و نکویی، ۱۳۸۶: ۵۱-۵۲). مدیریت بحران را می‌توان به‌عنوان مجموعه اقدام‌های برنامه‌ریزی‌شده در قبل، حین و پس از وقوع بحران تعریف نمود که با هدف پیشگیری یا مهار و کنترل بحران و از بین بردن آثار آن و برگشت به شرایط قبل از بحران صورت می‌گیرد. به بیان ساده، معنی مدیریت بحران این است که چگونه می‌توان از گرفتاری خلاص شد؟ (رحیمی‌روشن، ۱۴۰۰: ۲۶). در واقع مدیریت بحران تلاش دارد به این پرسش پاسخ دهد که بحران‌های انسان‌ساز چرا اتفاق رخ می‌دهند و چگونه می‌شود از بروز آن‌ها پیشگیری کرد؟ (انگناس و میتراف، ۱۳۸۱: ۵۱). با توجه به نکات و توضیحات پیش‌گفته، تعریف این پژوهش از مدیریت بحران عبارت است از: توانایی پیشگیری و برنامه‌ریزی برای غلبه بر جنبه منفی «دوگانه‌هایی» مانند «سود و زیان» «درستی و نادرستی» «سلامتی و بیماری» «آرامش و ناآرامی» «همگرایی و واگرایی» و «شکست و پیروزی» «صلح و جنگ» «امنیت و ناامنی» در راستای تثبیت، بازگشت و استمرار جنبه‌های مثبت آن‌ها (رحیمی‌روشن، ۱۴۰۰: ۲۶). این تعریف در واقع، مخرج مشترکی از همه تعاریف مدیریت بحران است که شامل همه انواع بحران‌های کوچک و بزرگ، اعم از اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، ملی و بین‌المللی است.

۲-۳- چرخه بحران

در ادبیات مدیریت بحران بر این نکته تأکید می‌شود که همه بحران‌ها دورانی را از شکل‌گیری و تکوین بحران، ظهور و آغاز بحران، اوج‌گیری و گسترش بحران و سرانجام افول بحران طی می‌کنند که آن را «چرخه بحران» می‌نامند و مدیریت بحران روندی است که برای مقابله و خنثی‌سازی بحران در مرحله پیشگیری، آمادگی، مقابله و بازسازی به کار می‌رود. این روند اوج و افول را «چرخه عمر بحران» می‌نامند. چرخه عمر بحران این نکته را بیان می‌کند که هر بحران چند مرحله را پشت سر می‌گذارد. مدیریت بحران باید تلاش

کند در همه مراحل بحران فعال باشد و در هر مرحله تدابیر ویژه‌ای به کار بندد تا بتواند در مرحله نخست از شکل‌گیری و تکوین بحران جلوگیری کند. در صورت عدم موفقیت قطعی در این مرحله و ورود بحران به مرحله تشدید، از گسترش آن جلوگیری کند؛ و سرانجام بتواند آسیب را کاهش داده و با عملیات کنترل و کاهش شدت بحران سازمان یا جامعه یا... را به شرایط مطلوب بازگرداند بنابراین در پژوهش حاضر تلاش خواهیم کرد روند شکل‌گیری گسترش و کنترل اولین بحران ترور توسط گروه فرقان را براساس مدل چرخه بحران بررسی و بازخوانی نماییم.



نمودار کلی چرخه بحران^۱

۱. مراحل چهارگانه چرخه بحران، که در ادبیات مدیریت بحران مطرح است. ترسیم آن در قالب نمودار، حاصل تحقیقات این پژوهش است.

۴. مکتب اقتضایی در مدیریت بحران

قدیمی‌ترین مکتبی که برای مقابله با بحران توسط اندیشمندان ترسیم شد، مکتب کلاسیک نام دارد که بعدها به ترتیب، مکتب نوکلاسیک، مکتب سیستمی و مکتب مدیریت دانایی جای آن را گرفتند. نظریه‌های مدیریت کلاسیک در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم در کشورهای سرمایه‌داری غرب پیدا شد (آقاگلزاده، ۱۳۹۴: ۲۸). نظریه مکتب مدیریت کلاسیک شامل سه نظریه است. الف) نظریه مدیریت علمی؛ ب) نظریه اداری؛ ج) نظریه بروکراسی (همان). به‌طور کلی رهیافت‌های کلاسیک و سنتی بر این فرض استوارند که افراد با انگیزه‌های مادی به کار می‌پردازند و فرصت‌های فراهم‌شده برای خود را به‌طور منطقی بررسی می‌کنند (مشکانی و همکاران، ۱۳۹۵: ۶۴). از دهه ۱۹۶۰ «مکتب اقتضایی» یا موقعیت‌گرایی، در مدیریت بحران‌ها پدید آمد. این مکتب بیشتر طرز فکری درباره سازمان، مدیریت و پدیده‌هاست. فلسفه این مکتب این است که نمی‌توان یک راهکار را برای همیشه در یک سازمان در نظر گرفت بلکه بسته به اقتضائات زمانی، مکانی و موقعیتی است که باید راهکارهای مختلف را برای مدیریت بهینه یک سازمان مشخص در نظر داشت. به عبارتی، درحالی‌که اندیشمندان مکاتب کلاسیک و نوکلاسیک به اصول جهان‌شمول و همیشگی باور داشتند و راهکارهای ارائه‌شده توسط خودشان را برای همه شرایط مناسب می‌دانستند، در مکتب اقتضایی چیزی به نام «بهترین» وجود ندارد. به‌طور کلی مکتب اقتضایی مبتنی بر این واقعیت است که محیط‌های گوناگون نیازمند روابط سازمانی متفاوت هستند. بر اساس این مفهوم «بهترین راه» وجود ندارد. تئوری اقتضایی معتقد است مکاتب کلاسیک و نوکلاسیک هر دو مصداق دارند اما هرکدام در شرایط خاص خود باید به کار بسته شوند. هدف مکتب اقتضایی ارائه پیشنهاد مناسب‌ترین طرح‌های سازمانی و سیستم‌های مدیریتی برای شرایط مشخص است و برای تحقق این هدف درصدد آن است که ارتباطات مشخص را بین

عوامل محیط و سازمان برقرار سازد (مدنی ۱۳۷۱: ۱۱۵-۱۲۲). اساس و پایه نظریه مکتب اقتضایی بر این اصل استوار است که بر اساس نیاز، زمان، مکان و شرایط مختلف و با استفاده از یک یا ترکیبی از این اصول مدیریتی می‌توان به نتیجه مطلوب یا قابل قبول دست‌یافت (مجیدپور، ۱۳۹۰: ۱۲۱). بنابراین برنامه‌ریزی اقتضایی عبارت است از: فرایند برنامه‌ریزی در وضعیت عدم اطمینان، که در آن سناریوی بحران و اهداف عملیات مورد قبول واقع شده و نحوه مدیریت و عملیات فنی به‌طور کامل تعریف‌شده، همچنین توانایی سیستم‌های واکنش به‌منظور حفاظت یا عکس‌العمل بهتر در وضعیت‌های اضطراری بحران به کار گرفته می‌شود (سعیدی و یاراحمدی، ۱۳۸۹: ۱۶۵). اندیشه‌های جدید مدیریتی، مدیریت را می‌توان هنر و علم و هماهنگ‌کردن و به‌کارگیری تلاش در نیل به اهداف سازمان (عباس‌زادگان، ۱۳۶۶: ۲۴) دانست. مدیریت بحران‌های امروزی بر مبانی مکاتب مدیریتی گذشته استوار است؛ و ممکن است در هر بحران خاص بر اساس مبانی نظری یکی از مکاتب پیش‌گفته طراحی مدیریت بحران انجام گیرد یا اینکه به ترکیبی از آن‌ها که شامل مکتب مدیریت اقتضایی است، متمرکز شود.

علت تأکید بر مدیریت اقتضایی در مدیریت بحران ترور در سال ۱۳۵۸ گروه فرقان، این نکته است که در سال ۱۳۵۸ یعنی سال نخست پیروزی انقلاب تقریباً هیچ نهادی امنیتی و اطلاعاتی مؤثری شکل نگرفته و شکل‌گیری اطلاعات سپاه، چند هفته پس از آغاز ترورها رخ داد. در این وضعیت به یک‌باره ترورهای گروه فرقان علیه شخصیت‌های مؤثر انقلاب آغاز شد. نیروهای امنیتی برای مدت مدیدی حالت سردرگمی و گیجی در برابر عاملان ترور داشتند. راه‌های مختلفی برای شناسایی تروریست‌ها تجربه شد و تاکتیک‌هایی که گاهی شکل آزمون خطا دارند به کار گرفته شد. از ورود سازمان تازه تأسیس اطلاعات سپاه تا ورود سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی به عرصه جنگ گریز با گروه فرقان که سرانجام منجر به متلاشی‌شدن گروهک فرقان گردید و ماشین ترور تا یک سال بعد که مجاهدین

خلق ترورهای خود را آغاز کردند، خاموش شد. از این رو مشاهده می شود که مسئولان آن روز امنیتی کشور آگاهانه یا ناآگاهانه شیوه ای را که برای مدیریت بحران ترور در روند چرخه بحران در پیش می گیرند، اقتضایی است.

۵. زمینه های تکوین و شکل گیری بحران ترور، توسط گروه فرقان

یکی از بحران های مهم و بزرگ ایران پس از انقلاب پدیده ترور و تروریسم بوده و هست. فضای یگانگی و همگرایی که در مقابل دشمن مشترک (رژیم پهلوی) برای مخالفان حکومت پهلوی اعم از غرب گرایان، چپ گراها و مذهبی ها و... شکل گرفته بود مدت کوتاهی پس از پیروزی انقلاب اسلامی به واگرایی تبدیل شد. سهم خواهی گروه هایی که در آستانه انقلاب جز «نام» چیزی از آن ها وجود نداشت؛ اولین جرقه های رویارویی را روشن کرد. حزب توده، فداییان خلق، مجاهدین خلق، نهضت آزادی و گروه های کوچک تر دیگر، در سپیده دم انقلاب، هریک مدعی بودند نقش اساسی در سرنگونی حکومت پهلوی با آن ها بوده است. اما واقعیت امر، غیر این بود همه این گروه ها در سال های پایانی حکومت پهلوی جز تعدادی در زندان و تعدادی فراری از چنگ ساواک در خارج از کشور عملاً وجود خارجی نداشتند (زیباکلام، ۱۳۷۸: ۲۷۵) این انقلاب توده ای مردم به رهبری آیت الله خمینی بود که حکومت پهلوی را ساقط کرد و فضایی آزاد به وجود آورد که همگان از جمله گروه هایی که ایدئولوژی های متفاوتی داشتند، می توانستند در این فضا ایفای نقش کنند.

جریانات سیاسی و اجتماعی مخالف حکومت پهلوی، پس از پیروزی انقلاب اسلامی، براساس بنیادهای فکری خود، برای کسب قدرت خیز برداشتند؛ و هر جا که با اقبال مردم مواجه نشدند، نظام را متهم به انحصارگرایی کردند. بسیاری از این گروه ها (به جز نهضت آزادی) دست به سلاح بردند. از این رو بحران ترور و تروریسم در ایران پس از انقلاب دارای اهمیت ویژه است. انتخاب تروریسم به عنوان پدیده ای بحرانی، ناشی از این واقعیت

است که به هنگام صلح، تروریسم را باید عملاً تهدیدی فاحش علیه منافع دولت‌ها و امنیت عمومی به حساب آورد. (مک‌کارتی، ۱۳۸۱: ۳۳) تهدیدی که امنیت را از مردم جامعه سلب می‌کند و چه‌بسا خطرناک‌تر از بحران جنگ خارجی است.

از بین گروه‌های تروریستی گروه فرقان نخستین گروه بعد از انقلاب بود که اقدام به ترور افراد مؤثر و سرشناس انقلاب کرد. سرکرده این گروهک طلبه جوانی به نام اکبر گودرزی بود که حدود چهار سال، دروس مقدماتی حوزه و بخشی از درس سطح را در حوزه علمیه خوانسار، قم و سپس تهران فراگرفته بود (وائقی، ۱۳۷۸: ۱۹۳). اکبر گودرزی اهل استان لرستان و از روستای دوزان، از توابع شهرستان الیگودرز بود. پدرش به کشاورز و دامدار بود. وی بر اساس مندرجات شناسنامه در سال ۱۳۳۸ متولد شد (مبتا، سند شماره ۱). در سال ۱۳۵۱، برای تحصیل علوم مذهبی به مدرسه دینی خوانسار و مدتی بعد به شهر قم و پس از یک سال به تهران رفت و در مدارس چهل‌ستون و حاج شیخ عبدالحسین به تحصیل علوم دینی پرداخت. گودرزی هم‌زمان با تحصیل، جلسات تفسیر قرآن در مناطق مختلف تهران مانند نازی‌آباد، سلسبیل، قلهک، جوادیه و خزانه برپا می‌کرد. (جعفریان، ۱۴۰۰: ۸۳) گودرزی گروه فرقان^۱ (را در درون همین جلسات قرآن تأسیس و رهبری کرد و خود او محور اصلی در گروه بود و کسانی مانند سعید واحد، محسن سیاه‌پوش، حمید نیکنام، علی اسدی و بهرام تیموری، زیر نظر مستقیم او فعالیت می‌کردند. گروه فرقان ابتدا نام «کافیون» داشت اما اندکی بعد نام «فرقان» را برای خود برگزید. شاخه فرعی گروه فرقان به صورت بسیار محدود، در برخی استان‌ها و شهرستان‌ها فعالیت داشت. به عنوان مثال، محمد متحدی عامل اصلی ترور شهید «قاضی طباطبایی» مسئول فرقان شاخه استان‌های آذربایجان غربی و

۱. فرقان به معنای «جداکننده حق از باطل». گروهک فرقان نام خود را از آیه اول سوره فرقان یعنی «تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا» گرفته بودند.

شرقی بود. حمیدرضا نقاشیان یکی از عوامل تعقیب گروه فرقان در این باره می گوید: تعداد فرقانی های تبریز بین ۱۰ تا ۱۵ نفر بیشتر نبودند «شاخه بسیار نازک و باریکی که ما در دانشگاه تبریز پیدا کردیم، بیشتر از سه نفر نبودند» و همین عده کوچک فاجعه بزرگ ترور آقای قاضی را رقم زدند (شاهد یاران، ۱۳۸۸: ش ۷۸/۵۱). عباس عسکری در رده دوم گروه فعال بود و سعید مرآت و کمال یاسینی زیر فرمان او بودند. عبدالرضا رضوانی و امیر فعله نوتاش عضو تیمی بودند که حسن اقرلو آن را فرماندهی می کرد (جعفریان، ۱۳۸۳: ۵۶۸-۵۶۹). به طور کلی مجموعه افراد فعال و نیمه فعال و هوادار گروهک فرقان بیشتر از صد تا صد و بیست نفر نبودند. گروه فرقان در سال ۱۳۵۵ با افراد معدود پیش گفته شکل گرفت و از سال ۱۳۵۶ به صدور اعلامیه و بیانیه اقدام کرد و بدین صورت وارد حوزه سیاست و مبارزه شد. حکومت پهلوی از فعالیت این گروه کمابیش مطلع بود اما به دلیل ورود کشور به جریان انقلاب و افزایش حرکت های سیاسی و نیز ضعیف شدن ساواک، گزارش چندی از فعالیت آن ها که آن زمان بیشتر همین جلسات قرآن بوده، نداشته است (جعفریان، ۱۳۸۳: ۵۷۱). این باور در بین مردم وجود داشت که گروه فرقان را عناصر خارجی حمایت و هدایت می کند. اسنادی که در سفارت آمریکا به دست آمد نشان داد آمریکا از طریق اشخاص ثالث با گروه فرقان تماس گرفته بود (ابتکار، ۱۳۸۷: ۱۴۶) یا حداقل در پی آگاهی از ساختار و اهداف گروه فرقان بود. گروه فرقان در سال ۱۳۵۶ کار تدوین ایدئولوژی خود را به پایان رساند. از آن پس به پیگیری استراتژی مسلحانه پرداخت اما برای پیاده کردن استراتژی مسلحانه در برابر رژیم، در بهمن ۱۳۵۷ به تجهیزات نظامی مجهز شد (جعفریان، ۱۳۸۹: ۸۶).

۶. ایدئولوژی گروه فرقان

اکبر گودرزی با مطالعه آثار آیت‌الله طالقانی و دکتر علی شریعتی و جزوه‌های رهبران نخستین سازمان مجاهدین خلق، به خوانش جدیدی از معرفت دینی رسید که مبنای تفکر و عملکرد او و اعضای گروه فرقان شد. البته این طرز فکر، برداشت غلط خود او بود زیرا آثار طالقانی و شریعتی نشان‌دهنده باور به تکفیر و ترور نیست و به نظر نمی‌رسد افرادی در جایگاه آنان مروج آموزه ترور و تکفیر بوده باشند. گرچه عزت‌الله سبحانی از فعالان ملی مذهبی می‌گوید: این نوع ترورها معلول تحول حاکمیت در ایران نبود بلکه نتیجه تفکرات برخی از روشنفکران همچون مرحوم شریعتی بود و طرفداران این جریان گمان می‌کردند با حذف چهره‌هایی همچون مرحوم مطهری که از شخصیت‌های برجسته حاکمیت است، می‌توانند از حاکمیت روحانی وقت انتقام بگیرند و جایگاه روشنفکران را در جامعه تثبیت کنند. این یک رویکرد بود که همان زمان گروه‌هایی همچون مجاهدین نیز آن را قبول نداشتند و خود نیز منتقد اقدامات فرقانی‌ها بودند و کارهای آنان را خطا می‌دانستند (نواندیش، ۱۳۸۹: talar.shandel.info/thread). اعضای گروهک فرقان همچون یک مسلمان به خدا، قرآن، نبوت و معاد اعتقاد داشتند. همچون یک شیعی دل‌سوخته به امامت و ولایت و امامت امام زمان (عج) و عصر غیبت و ظهور منجی معتقد بودند؛ اجتهاد و مجاهدت در راه فهم دین را پذیرفته بودند، اما خمیرمایه اصلی ایدئولوژی آن‌ها انحرافی عمیق، با عنوان مخالفت با روحانیت و باور به «اسلام منهای روحانیت بود». این نوع تفکر ریشه‌ای عمیق در تاریخ دارد؛ حتی نمونه‌هایی از آن را در عصر پیامبر اعظم (ص) می‌توان مشاهده کرد. جریانی که به قرآن منهای سنت و به «و حسبنا کتاب الله» باور داشت (ابوالحسنی منذر، بی‌تا: ۹) و سبب شد تا مدت‌ها حدیث نبوی کتابت نگردد و در نتیجه انحرافات وسیعی در امت اسلامی به وجود آید.

گفتار و کردار اکبر گودرزی نشان می‌دهد با قشری‌نگری و ظاهربینی به تفسیر وقایع می‌پرداخته است. او از جامعه توحیدی و حاکمیت خدا سخن می‌گفت، اما بسیار سطحی و بدون دیدگاه ایدئولوژیک و فلسفی و صرفاً به پاره‌ای از شعارهای انقلابی در چهارچوب آموزه‌های دینی بسنده می‌کرد. معدود طرفداران او نیز به تبع او، سطحی‌نگر و کم‌عمق و به شدت ظاهربین بودند. از قشری‌نگری و عدم اطلاع آنان از اسلام همین بس که از بانک‌ها دزدی می‌کردند تا بتواند هزینه‌های گروه خود و هزینه ترورها و اجاره خانه‌های تیمی را تأمین کنند (وائقی، ۱۳۷۸: ۱۹۸). او طرفداران خود را که روحیات انقلابی سال‌های انقلاب را حفظ کرده بودند بر اساس برداشت‌های خود از آموزه‌های قرآن تربیت کرد و در آنان احساس شدید ضد روحانیت را نهادینه نمود. از اعضای اصلی این گروه می‌توان سعید مرآت، عباس عسگری، علیرضا شاه‌بابیگ، حسن اقرلو، علی حاتمی، کمال یاسینی، سعید واحد، محسن سیاه‌پوش، حمید نیکنام، علی اسدی، بهرام تیموری، عبدالرضا رضوانی و امیر قلعه‌نوش را نام برد (جعفریان، ۱۳۸۹: ۵۴۴). نگرش این گروه به اسلام و تفاسیری که از قرآن می‌کرد، همانند مجاهدین خلق بر اساس نگرش مارکسیستی به اسلام و قرآن بود. گودرزی می‌خواست تمام آیات قرآن را براساس «ماتریالیسم تاریخی» - و اینکه زیربنای حرکت‌ها و نهضت‌های تاریخی «اقتصاد» است، همان باوری که مارکسیست‌ها داشتند - تفسیر نماید و به این نحو می‌خواست تطبیقی بین اسلام و مارکسیسم ایجاد کند. مثلاً ادعا داشت از آنجا که مارکسیسم از طبقه مستضعفان سخن رانده و از حکومت مستضعفان حمایت کرده است. بنابراین اسلام و مارکسیسم در محتوا یکسان هستند، ولی شکل‌ها و قالب‌های آن‌ها متفاوت است. از آنجا که این گروه یک دید مادی داشت و همه‌چیز را از این زاویه تجزیه و تحلیل می‌کرد، خیلی از آیات قرآن را که جنبه «ماوراءالطبیعه و ملکوتی» دارد به شکل مادی توجیه می‌نمود. گروه فرقان گروهی ضد نظام سلطنت دانسته می‌شد اما صنف روحانیت را نیز ضد توحیدی می‌دانست و بر این باور بود که باید با توسل به قوه

قهریه و قربت‌الی‌الله و در کوتاه‌ترین زمان ممکن روحانیت را از میان برداشت. تنها در این صورت است که به دستورات و احکام خدا عمل شده است و ملت تحت ستم از استعمار حاکم آزاد می‌شوند. سرکرده گروه فرقان در پاسخ به این پرسش که گروه فرقان از چه زمانی تصمیم به مبارزه مسلحانه گرفت؟ پاسخ می‌دهد: خط‌مشی کلی، همان مخالفت با نظامات ضد توحیدی و مبتنی بر سلطه و استبداد و ظلم است که نهایتاً به گونه مسلحانه خودنمایی می‌کند که این مسئله در ارتباط با رژیم قبل مطرح بود و در ارتباط با جمهوری اسلامی موضع‌گیری و مخالفت از وقتی مطرح شد که روحانیت مدعی رهبری حرکت مردم شد که این امر با پیشنهاد حمید نیک‌نام و رضا یوسفی (از اعضای گروه) شروع و با موافقت من ادامه پیدا کرد (وائقی، ۱۳۷۸: ۱۹۷). تفکر ضد روحانیت فرقان، چیزی نبود که بعد از انقلاب به وجود آمده باشد بلکه تفکری انحرافی بود که بر اثر کج‌فهمی از قرآن در جلسات تفسیر این گروه به وجود آمده بود. فرقان قبل از انقلاب حرکت روحانیت را در مبارزه و پوشش به‌سوی قدرت را استحمار توده‌ها و همسو با استعمار می‌دانست. با پیروزی انقلاب این مخالفت تشدید شد و شعار «اسلام منهای روحانیت» مبنای عمل قرار گرفت. این گروه اقدام روحانیت را در مبارزه انقلابی با عنوان «آخوندیسم» یاد می‌کرد که نظام ضد توحیدی است و توده‌ها را استحمار می‌کند (فوزی، ۱۳۸۴: ۴۳۲؛ نک: نشریه فرقان، ش ۸). فرقان معتقد بود که انقلاب اسلامی انقلابی مردمی و همانند نهضت تنباکو، انقلاب مشروطه و نهضت ملی‌کردن صنعت نفت بوده است؛ لکن پس از پیروزی انقلاب است که روحانیت به شکل کودتا و بدون خواست و اراده مردم به قدرت رسیده و چون تجربه کافی در امور اجرایی ندارد، بنابراین به‌زودی و به‌گونه‌ای قهری مارکسیست‌ها یا احتمالاً ناسیونالیسم‌ها به قدرت خواهند رسید. از این‌رو گروه فرقان، خواستار کناره‌گیری روحانیت از مسئولیت‌ها بود؛ گرچه در مورد جانشینی آن، نظر و ایده روشنی ارائه نمی‌کرد (خواج‌سروی، ۱۳۸۲: ۲۳۰-۲۳۱). گودرزی در مورد عدم تلازم اسلام و روحانیت می‌گوید: ما به این نتیجه

رسیده‌ایم که در اسلام هیچ انضمام و انسجامی بین اسلام و روحانیت وجود ندارد و اصولاً روحانیت را مغایر با همه موازین توحیدی و مفاهیم قرآنی می‌دانیم (فوزی، ۱۳۸۴: ۴۳۳). بنابراین، با توجه به ریشه و نوع تفکر حاکم بر اذهان گروهک فرقان و در نظر گرفتن روحیه خشن و تروریستی این گروه، تفکر انحرافی، منجر به انحرافی بزرگ‌تر و عمل انحرافی ترور مسئولان نظام شد. گروه فرقان بر اساس تفسیر غلطی که از آیه ۱۲ سوره توبه^۱ داشت، تصمیم گرفت کسانی را که به‌زعم خودش، مصداق این آیه می‌دانست، ترور کند. آن‌گونه که پس از انهدام این گروه معلوم شد تقریباً همه مسئولین نظام و حتی کسانی که مسئولیت نداشتند، از نظر آنان باید کشته می‌شدند. در یک جمع‌بندی می‌توان مؤلفه‌های زیر را اصول و مبنای باور و عقیده گروهک فرقان دانست:

۱. برداشت نابجا از آثار دکتر شریعتی و تفسیر به رأی از آن‌ها که در بیانیه‌ها و

نشریات فرقان به‌خوبی قابل ردیابی است.

۲. باور به «اسلام، بدون روحانیت» گرچه گروه فرقان اولین و آخرین گروهی نبود که

این اعتقاد را داشت، بسیاری از افراد یا جریاناتی که خود را به‌عنوان روشنفکر یا

روشنفکر دینی تعریف می‌کردند این باور را ترویج می‌کردند و فرقان نیز تحت

تأثیر آنان به این باور رسیده بود.

۳. تأثیرپذیری شدید از مارکسیسم و تفاسیر التقاطی از اسلام و تلاش برای همسو

نشان‌دادن اسلام و مارکسیسم. در این باور نیز گروه فرقان تنها نبود و از مجاهدین

۱. «وَإِنْ كُنْتُمْ أَيْمَانُهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَطَعْنُوا فِي دِينِكُمْ فَقَاتِلُوا أَتَمَّةَ الْكُفْرِ ۚ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ» و اگر

آن‌ها سوگند خود را بعد از عهده‌ای که بسته‌اند بشکنند و در دین شما تمسخر و طعن زنند در این صورت با آن پیشوایان کفر و ضلالت کارزار کنید که آن‌ها را عهد و سوگند استواری نیست، باشد که بس کنند.

خلق تأثیر پذیرفته بود. تفسیر التقاطی از اسلام که در تفکر جریان‌ات غرب‌گرا نیز به شکل دیگر وجود داشت و آنان نیز تلاش داشتند ارزش‌های اسلامی را با ارزش‌های لیبرالی تفسیر و توجیه کنند. از نظر استراتژی، گروه فرقان همان مسیری را طی می‌کند که سازمان مجاهدین خلق ترسیم کرده است. در رابطه با شخص آیت‌الله خمینی هم همان برداشت‌های درون سازمان مجاهدین خلق را داشت (موسوی‌اردبیلی، ۱۳۶۴: ۶۸).

۴. ارتباط فکری و حتی تشکیلاتی نزدیک و بسیار مشابه با مجاهدین خلق (موسوی‌اردبیلی، ۱۳۶۴: ۷۵). به نحوی که شواهدی حاکی از آن است که منافقین بسیاری از ترورهای خود را از طریق آنان انجام می‌داده‌اند.

۵. خشونت و ترور و حذف فیزیکی مخالفان فکری از طریق تشکیل گروه‌های ترور.

اهداف فرقان از این ترورها چه بود؟ گروه‌های تروریستی معمولاً اهداف خاصی را در از میان برداشتن مخالفان خود دنبال می‌کنند. کلیت گروه فرقان و سرکرده آن اکبر گودرزی براساس بنیان‌های فکری انحرافی خود که به بخشی از آن اشاره شد، اقدام به تشکیل گروه نمود و اندیشه‌های مخرب خود را به افراد زیر فرمان خود تزریق می‌کرد؛ اما بسیاری از تروریست‌های عضو گروه فرقان، شناختی دقیق از این گروه و حتی شناختی از کسانی که باید ترور می‌کردند، نداشتند. لکن در چهارچوب معیارهای باطل گروه متبوع خود عمل می‌کردند. به‌طور کلی اهداف گروه فرقان را به شرح زیر می‌توان دسته‌بندی کرد:

۱. ابراز خشم و کینه از پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام و روحانیت با توجه به نفرتی که از کلیت روحانیت داشتند.

۲. جبران عدم وجود سابقه مبارزاتی. فرقان قصد داشت با انجام ترور در مقطع استقرار نظام جمهوری اسلامی، بی سابقگی خود را در دوران مبارزه جبران کند و نشان دهد که یک گروه انقلابی و پیشرو است.

۳. ایجاد رعب و وحشت و القای فضای ناامنی در محیط نظام جدید اسلامی.

۴. صدمه زدن به پشتوانه فکری نظام اسلامی با ترور شخصیت های متفکری چون مطهری، مفتاح و هاشمی رفسنجانی.

۵. ترغیب و تحریک سایر گروه های مخالف به اقدامات براندازانه و رادیکال علیه جمهوری اسلامی ایران.

۶. القای ناکارآمدی دولت جدید در برقراری امنیت عمومی در جامعه (کردی، ۱۳۸۸: ۲۶۶).

۷. آغاز بحران ترور

گروهک فرقان از ابتدای شکل گیری در پی پیاده کردن استراتژی مبارزه مسلحانه بود، اما در فضای قبل از انقلاب فرصت این کار را نیافت. پس از پیروزی انقلاب و در جریان ورود مردم به پادگان ها این گروه همانند برخی گروه های دیگر توانست با سرقت از پادگان ها به تجهیزات نظامی دست یابد! (نوروزی فرسنگی، ۱۳۸۲: ۳۲۵) هم زمان با آغاز بحران تجزیه طلبی در کردستان، ترکمن صحرا و خوزستان، استمرار آن ها، خبر ناگهانی ترور «سپهد محمدولی قرنی» اولین رئیس ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران، خبر از آغاز بحرانی دیگر و از نوع دیگر در انقلاب اسلامی می داد. ترور سپهد قرنی سرآغاز بحرانی بود که ده ماه - تا فروپاشی مرکزیت گروه فرقان - ادامه یافت. در سوم اردیبهشت ۱۳۵۸ سپهد

محمودولی قرنی نخستین رئیس ستاد کل ارتش جمهوری اسلامی توسط دو مرد ناشناس در حیات منزل خود هدف گلوله قرار گرفت و به شهادت رسید (کیهان، ۴ اردیبهشت ۱۳۵۸). در ماه‌های آغازین پیروزی انقلاب اسلامی هیچ‌یک از مقامات نظام دارای محافظ نبودند به همین دلیل اقدام به ترور افراد برای گروه فرقان کار پیچیده‌ای نبود. مثلاً اگر شب تصمیم می‌گرفتند روز بعد کسی را بکشند حتماً این کار را می‌کردند. دلیل سرعت عمل گروه فرقان این بود که در ماه‌های بعد از پیروزی انقلاب سیستم امنیتی و دفاعی کشور به‌هم‌ریخته بود و مسئولان و عناصر کلیدی انقلاب محافظ نداشتند. بعد از شهادت آیت‌الله مطهری، برخی به فکر افتادند که باید از شخصیت‌ها محافظت شود. چرایی انتخاب سپهبد قرنی به‌عنوان نخستین هدف ترور گروه فرقان را گرچه بسیاری به مسئله ضلع «زور» از مثلث «زر و زور و تزویر»^۱ مربوط می‌دانند، اما بیانیه فرقان (مبتا، اعلامیه ترور سرلشکر قرنی، سند شماره ۲) پس از ترور، نشان از کینه‌ای دارد که گروه‌های تجزیه‌طلب به‌دلیل قاطعیت ایشان در جریان بحران کردستان از ایشان داشتند. گروه فرقان پس از ترور شهید قرنی در بیانیه‌ای، دلایل این ترور را همکاری با رژیم طاغوتی قبلی، سرسپردگی به امپریالیسم آمریکا و کوشش برای انجام کودتای آمریکایی، سرسپردگی به دیکتاتوری آخوندیسم و همکاری با رژیم ضد توحیدی فعلی و اقدام برای سرکوبی مردم کردستان در جهت قلب حقایق و واقعیات و متهم کردن مردم به اینکه مأمور اجنبی هستند، کوشش برای خلع سلاح مردم مبارز و محروم ایران و بازسازی ارتش ازجمله دلایل ترور سپهبد قرنی دانسته است (خبرگزاری فارس، ۱۴۰۲: اولین ترور <https://farsnews.ir>). به نظر می‌رسد کینه و نفرت گروه‌های چپ و مارکسیستی از سپهبد قرنی ریشه تاریخی داشته باشد؛ چراکه سپهبد قرنی در زمان تصدی رکن دوم ارتش، شبکه افسران حزب توده را پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ کشف و منهدم

۱. مثلث زر و زور و تزویر اتهامی بود که فرقانی‌ها بر مبنای آن دست به ترور افراد می‌زدند.

کرده بود و این مسئله‌ای نبود که گروه‌های چپ از آن بگذرند (همان). به‌عنوان نمونه در روزهای ابتدایی پیروزی انقلاب، سازمان چریک‌های فدایی خلق که گروهی مارکسیستی بود، در ارگان خود سؤال کرده بود، چرا قرنی در جریان مشارکتش در کودتا علیه شاه فقط به سه سال زندان محکوم شده بود؟ درحالی‌که یک دانشجوی و افرادی مانند صمد بهرنگی فقط به جرم خواندن کتاب‌های دکتر شریعتی به سال‌ها زندان محکوم می‌شد! (کردی، ۱۳۹۰: ۱۱۸-۱۱۹) اکبر گودرزی در بازجویی‌های خود در این مورد می‌گوید: در رژیم فعلی، حتی وقتی وزیر کشور وقت که برای حل درگیری‌های کردستان همراه چند تن از مقامات به آنجا رفته بود، از قرنی می‌خواست که عملیات نظامی را متوقف کند، اما او این مطلب را نپذیرفت (همان، نک: مراسم، پرونده اعلامیه‌های گروه فرقان، ش.ب ۱۷۶۰۱)؛ بنابراین مهم‌ترین اتهام سپهبد قرنی، مقابله با تجزیه‌طلبان در کردستان بود. این اقدام وابستگی فکری و تشکیلاتی گروهک فرقان را با دیگر گروه‌های چپ‌گرا و ضد انقلاب بیش‌ازپیش اثبات می‌کند. درنهایت ترور سپهبد قرنی اولین ترور بعد از انقلاب اسلامی و اولین ترور گروهک فرقان بود و همچنین آغاز بحران ترورهای بود که توسط گروه‌های خشن دیگری مانند مجاهدین خلق و فداییان خلق ادامه یافت.

۸. گسترش بحران ترور، و تلاش برای مدیریت بحران

پیشتر گفته شد که همه‌ی بحران‌ها ابتدا و انتهای دارند که در ادبیات مدیریت بحران به «چرخه بحران» معروف است. مراحل اصلی چرخه بحران عبارت‌اند از:

۱. مرحله پیش از بحران: شامل شناسایی خطرات، کاهش آسیب‌پذیری و برنامه‌ریزی برای واکنش در برابر بحران احتمالی.

۲. مرحله واکنش به اوج‌گیری بحران: شامل تصمیم‌گیری فوری، ارتباطات اضطراری و اجرای عملیات کنترل بحران.

۳. مرحله پس از بحران: شامل بازسازی و بازگرداندن جامعه / سازمان به حالت پیش از بحران.

۴. مرحله ارزیابی و تجربه‌اندوزی از بحران: شامل بررسی عملکرد، مستندسازی درس‌های آموخته‌شده و به‌روزرسانی برنامه‌ها.

این مراحل چهارگانه در همه بحران‌های طبیعی و بحران‌های انسان‌ساز دیده می‌شود. نکته مهم این است که از بین روش‌ها و مدل‌های مختلف مدیریت بحران، کدام روش در این مراحل چهارگانه به کار گرفته می‌شود. مدعای مقاله این است که برای کنترل و مدیریت بحران ترور گروهک فرقان، با توجه به شرایط زمانی و مکانی و موقعیت جامعه تازه از انقلاب بیرون آمده، روشی که دانسته یا به احتمال زیاد، ندانسته برای مدیریت این بحران به کار گرفته شد با روش اقتضایی همخوانی بیشتری دارد. زیرا مکتب اقتضایی دقیقاً مناسب تحلیل موقعیت‌های بحرانی مثل ترور است؛ جایی که سبک مدیریت باید بر اساس شرایط بحرانی، ویژگی‌های سازمان و محیط تنظیم شود. بر پایه نظریه اقتضایی در مدیریت بحران ترور، در این زمینه نیز چهار بخش اصلی مطرح است. ویژگی‌های سازمانی، ویژگی‌های مدیران بحران، ویژگی‌های عوامل اجرایی و ذی‌نفعان و سرانجام، سبک و رویکرد مدیریت بحران که در ادامه براساس این عوامل به نحوه کنترل بحران ترور می‌پردازیم.

۸-۱- ویژگی‌های سازمانی (نهاد امنیتی یا سیاسی، ساختار رسمی، ضرورت تصمیم سریع)

با توجه به نوع بحران، مرحله پیش از بحران مرحله نخست در چرخه مدیریت بحران است و شامل شناسایی خطرات، کاهش آسیب پذیری و برنامه ریزی برای واکنش است. به دلیل عوامل و شرایط اقتضایی بحران ترور، گروه فرقان، دستگاه های اطلاعاتی و امنیتی در بهار سال ۱۳۵۸ در موقعیتی نبودند که بتوانند بحران را پیش بینی کنند و برای مقابله با آن برنامه ریزی داشته باشند. زیرا این بحران دارای ویژگی های خاصی بود که تا آن مقطع زمانی، تجربه نشده بود. آغاز بحران، ناگهانی و خشونت آمیز بود. از سوی دیگر به دلیل هدف قرار دادن رهبران رده بالای انقلاب، پیامد سیاسی - اجتماعی شدیدی داشت. بنابراین، عوامل اقتضایی و محیطی بحران بر شیوه مدیریت بحران اثرگذار بود. فقدان دستگاه امنیتی مؤثر سبب شد که پیش بینی و شناسایی خطر پیش رو و برنامه ریزی برای جلوگیری از آن، قبل از اولین ترور گروه فرقان - یعنی ترور شهید قرنی اصولاً مطرح نباشد - و حتی پس از شهادت ایشان تا مدتی عامل ترور مشخص نبود. با اینکه دو ترور مهم انجام شده بود با فقدان نهاد اطلاعاتی و امنیتی، گروهک فرقان به راحتی اهداف خود را انتخاب می کرد و با خیال راحت ترورها را انجام می داد. هشت روز پس از ترور سپهبد قرنی و در ۱۲ اردیبهشت ۱۳۵۸ گروه فرقان دومین ترور خود را انجام داد. هدف انتخاب شده بسیار حساب شده و دقیق بود: آیت الله مطهری مغز متفکر انقلاب اسلامی. کسی که هم از بُعد فکری و هم عملی و سازمان دهی یکی از ارکان اصلی انقلاب اسلامی بود. در نتیجه اینکه محیط اجتماعی، سیاسی، مذهبی پس از آغاز ترورها به شدت متشنج و جامعه و نهادهای تصمیم گیر به نوعی در حیرت به سر می بردند و منابع و اطلاعات در دسترس به شدت محدود و فشار افکار عمومی برای شناسایی منبع ترورها هر روز بیشتر می شد.

۸-۲- ادامه بحران ترور در سایه فقدان نیروی ضد ترور

«در آخرین ساعات روز سه‌شنبه، ۱۱ اردیبهشت ۱۳۵۸، فرقان به ترور متفکر بزرگ اسلامی و رئیس شورای انقلاب اقدام کرد. ساعت ۱۰:۴۰ شب، آیت‌الله مطهری که در حال خروج از خانه دکتر سبحانی در یکی از کوچه‌های خیابان فخرآباد تهران بود، هدف گلوله قرار گرفت. به‌گفته شاهدان عینی تروریست‌ها با «یک پیکان استیشن سفیدرنگ، محل فاجعه را ترک کردند» (اطلاعات، ۵۸/۲/۱۲). فردی که با خودروی خود از خیابان فخرآباد عبور می‌کرد، پیکر خون‌آلود استاد مطهری را به بیمارستان طرفه رسانید. ولی به‌علت شدت جراحات وارده به درجه شهادت نائل آمد. تعدادی اعلامیه گروه فرقان در محل پیدا شد که نشان می‌داد این ترور نیز کار گروه فرقان است. یک ساعت بعد از نیمه‌شب، فرد ناشناسی به روزنامه اطلاعات زنگ زد و ادعا کرد که از سوی گروه فرقان زنگ می‌زند! او گفت «گروه فرقان مسئولیت ترور مطهری را می‌پذیرد» و در ادامه گفت: «ما مطهری، رئیس شورای انقلاب را کشیم و گروه فرقان در نظر دارد در آینده نیز چند تن از شخصیت‌های سیاسی و مذهبی را ترور کند» (اطلاعات، ۵۸/۲/۱۲). دلایلی که گروه فرقان در این مورد ذکر کرده، به این شرح است: وی اصطلاح «ماتریالیسم منافق» را جعل کرده و در دین اسلام بدعت گذاشته است و از آن چماق تکفیری علیه بهترین فرزندان اسلام و قرآن ساخته است. دیگر اینکه نامبرده عضو شورای انقلاب بوده و همچنین کتاب خدمات متقابل اسلام و ایران را نوشته است که به‌منزله همکاری با رژیم طاغوتی است و مجازات تمام موارد اعدام است (واثقی، ۱۳۷۸: ۱۹۶). عملیات ترور شهید مطهری را دو تن از اعضای گروه فرقان به نام‌های «محمدعلی بصیری» و «وفا قاضی‌زاده» انجام دادند. ضارب اصلی بصیری بود و قاضی‌زاده رانندگی عملیات را برعهده داشت (کیهان، ۴ بهمن ۱۳۵۸). حدود یک ماه پس از ترور شهید مطهری گروهک تروریستی فرقان، به ترور آقای هاشمی‌رفسنجانی اقدام نمود. روز جمعه ۳ خرداد ۱۳۵۸ و در ساعت ۴:۴۰ دقیقه، سه تن از اعضای گروهک فرقان، هاشمی‌رفسنجانی را در منزلش ترور کردند (کردی، ۱۳۸۸: ۲۶۹). او که مورد اصابت دو

گلوله قرار گرفته بود، به بیمارستان شهدای تجریش منتقل شد و تحت عمل جراحی قرار گرفت و در نهایت جان سالم به در برد. (مپس، سند شماره ۳) در خانه ایشان اعلامیه‌ای از فرقان پیدا شد که در آن آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی را به خیانت و دیکتاتوری در قبال جنبش توحیدی خلق مستضعف ایران متهم کرده بودند.

یک ساعت پس از نیمه‌شب، فرد ناشناسی پس از تماس با روزنامه اطلاعات ادعا کرد که هاشمی‌رفسنجانی به قتل رسیده است و گروه فرقان مسئولیت قتل او را می‌پذیرد. آیت‌الله خمینی که از خبر ترور هاشمی‌رفسنجانی متأثر شده بودند، طی پیامی از ایشان تجلیل کردند و او را فرزند برومند اسلام نامید و افزود «هاشمی زنده است چون نهضت زنده است» (صحیفه امام، ۴۹۵/۷) هاشمی‌رفسنجانی در مصاحبه رادیویی و تلویزیونی و مطبوعاتی خود درباره ارتباط این ترور با ترورهای قبلی، هدف از ترورها را مقابله با انقلاب و یاران آن دانستند و بر نقش ابرقدرت‌ها در این ترورها تأکید کردند (خلیلی، ۱۳۸۲: ۱۵۰). با تشدید طرح مسئولین نظام، آیت‌الله خمینی طی پیامی از پاسداران انقلاب خواست تا از شخصیت‌های انقلابی محافظت کنند؛ اگرچه آن‌ها خود راضی نباشند (کیهان، ۶ خرداد ۱۳۵۸).

چهارمین ترور گروه فرقان در ۱۷ تیر ۱۳۵۸ اتفاق افتاد. در این روز محمدتقی حاج‌طرخانی بنیان‌گذار مسجد قبابی تهران در مقابل منزلش مورد سوءقصد قرار گرفت (اطلاعات، ۱۸ تیر ۱۳۵۸). چند ساعت بعد از این واقعه در روز ۱۷ تیر، هاشم صباغیان، وزیر وقت کشور با اعلام این خبر گفت که حاج‌طرخانی بر اثر اصابت گلوله به شهادت رسیده است. به گفته وی، ضاربان از گروه فرقان بودند و اعلامیه‌هایی در محل سوءقصد بر جای گذاشتند. حاج‌طرخانی یکی از چهره‌های معروف مبارز و از سرشناسان بازار تهران بود. او در ترویج

و اشاعه فرهنگ و نهادهای اسلامی نقش بسزایی داشت به طوری که به عنوان یک فرد خیر و پیش قدم در کارهای عام المنفعه زبانزد عام بود (کیهان، ۱۸ تیر ۱۳۵۸).

در تاریخ ۲۰ تیر گروه سه نفره‌ای که قصد ترور عباس امیرانتظام معاون نخست وزیر در دولت موقت را داشتند، دستگیر شدند و اعتراف کردند که از سوی گروه فرقان مسئول ترور وی بوده‌اند (اطلاعات، ۲۴/۴/۱۳۵۸).

در ۲۵ تیر، آیت الله سیدرضی شیرازی امام جماعت مسجد شفا مورد سوء قصد گروه فرقان قرار گرفت (اطلاعات، ۲۶ تیر ۱۳۵۸) اما از حادثه ترور جان سالم به در برد. گروه فرقان شهادت ایشان را طی اعلامیه‌ای خبررسانی کرد (مپس، سند شماره ۴) در تاریخ ۳۰ تیر ۱۳۵۸ سید محسن بهبهانی از مجریان صداوسیما دور دوره پهلوی به اتهام همکاری با حکومت گذشته و طرفداری از آیت الله ابوالقاسم کاشانی ترور شد (کیهان، ۳۰ تیر ۱۳۵۸). در ۱۷ مرداد احمد لاجوردی رئیس گروه صنعتی بهشهر هدف ترور فرقان قرار گرفت و به شدت زخمی شد (انقلاب اسلامی ۱۳۵۸/۵/۱۸). گروه فرقان هدف از این ترور را مبارزه با سرمایه داری اعلام کرد.

گروه فرقان در چهار شهریور ۱۳۵۸ حاج مهدی عراقی، رئیس مالی مؤسسه کیهان را به همراه پسرش حسام در ساعت ۰۷:۰۰ صبح هنگام عزیمت به محل کار، به شهادت رساند (اطلاعات، ۵ شهریور ۱۳۵۸). براساس اظهارات اکبر گودرزی، سرکرده گروه فرقان، طرح ترور حاج مهدی عراقی از سوی وی و محمد متحدی مسئول نظامی مطرح شد. حسین مهدیان که صبح‌ها همراه حاج مهدی عراقی به مؤسسه کیهان می‌رفت، در طرح ترور قرار داشت و او نیز باید زده می‌شد، زیرا در تحلیل انحرافی فرقانی‌ها هر دو جزو جبهه زر به شمار می‌آمدند! هدف بعدی فرقان ترور «هانس یواخیم لایب»، تبعه آلمان در ۲۲ مهر ۱۳۵۸ بود. او رئیس حسابداری و معاون مدیرعامل یک شرکت داروسازی بود. فرقان در

اطلاعیه خود، او را به جاسوسی برای دولت آلمان متهم کرده بود (اطلاعات، ۳۰ مهر ۱۳۵۸). (مبتا، سند شماره ۵، اعلامیه گروه فرقان).

بحران ترور همچنان ادامه داشت و نهادهای تازه شکل گرفته امنیتی موفق نشده بودند تروریست‌ها را شناسایی کنند. در آبان ۱۳۵۸ یکی از مهم‌ترین ترورهای گروه فرقان در خارج از تهران اتفاق افتاد. در ۱۰ آبان ۱۳۵۸. آیت‌الله قاضی طباطبایی در تبریز توسط گروهک فرقان به شهادت رسید (اطلاعات، ۱۳ آذر ۱۳۵۸). آیت‌الله سید محمدعلی قاضی طباطبایی از شاگردان قدیمی و ممتاز آیت‌الله خمینی بود که با آغاز نهضت اسلامی در رأس علمای مخالف حکومت پهلوی در آذربایجان قرار گرفت. شهید قاضی از معدود افراد مورد ترور گروه فرقان بود که در شهری غیر از تهران به شهادت رسید. همچون ترورهای قبلی، محمد متحدی مسئول شاخه نظامی فرقان طراح ترور بود و ضارب مسعود تقی‌زاده نام داشت. آیت‌الله خمینی در پیام تسلیت خود، آیت‌الله قاضی را عالم مجاهد خواند و در فرازی از پیام خود فرمودند: عزیزان من، در انقلابی که ابرقدرت‌ها را به عقب رانده و راه چپ‌اولگری آنان را از کشور بزرگ بسته است، این ضایعات اجتناب‌ناپذیر است. گروه فرقان در شب‌نامه اضطراری خود که در تاریخ ۱۳/۸/۱۳۵۸ منتشر شد، دلایل اقدام تروریستی خود را برشمرده بود که در یکی از بندهای آن آیت‌الله قاضی را به‌عنوان «مفسد فی الارض» معرفی کرده بود! در تاریخ ۱۶ آذر ۱۳۵۸ گروه فرقان اقدام به ترور آیت‌الله موسوی اردبیلی دادستان کل کشور نمود. این ترور با انفجار بمب کنترل از راه دور انجام شد که ناموفق بود (حسینی، ۱۳۸۹: در sayna.blogsky.com/ به نقل از روزنامه کیهان، ۱۳۵۹/۱۰/۲). در ادامه ترورهای فرقان، دکتر مفتاح در ۲۷ آذر ۱۳۵۸ همراه با دو محافظ خود (کیهان، ۲۷ آذر ۱۳۵۸) به شهادت رسید (مپس، سند شماره ۶). گودرزی در بیان علت ترور دکتر مفتاح می‌گوید: او به داشتن رابطه با ناصر مقدم «رئیس ساواک» متهم بود و هنگامی که از او سؤال می‌شود که شما این رابطه را چگونه کشف کردید؟ می‌گوید: «این رابطه در نشریه‌ای مطرح

شده بود که این نشریه به دست ما هم رسید؛ و وقتی که سؤال می‌شود آیا در این زمینه تحقیقی کرده بودید یا اینکه آن نشریه را کسانی منتشر کرده بودند؟ می‌گوید: نه ما خودمان تحقیقی در این زمینه نکردیم و آن نشریه را هم نمی‌دانیم چه کسانی منتشر کرده بودند، ولی این موضوع معروف شده بود! (وائقی، ۱۳۷۸: ۲۰۰). در ۱۴ دی ۱۳۵۸ فقیه ایمانی از روحانیان اهل اصفهان به‌دست گروه فرقان ترور شد (اطلاعات، ۱۷ دی ۱۳۵۸). چند روز پس از این ترور اکثر خانه‌های تیمی فرقان کشف و منهدم شد و سرکرده فرقه نیز دستگیر شد. بقایای گروه که توان خود را از دست داده بودن با چند ماه فاصله در تاریخ ۵ مرداد ۱۳۵۹ یک ترور دیگر انجام دادند که در آن حجت‌الاسلام قاسم روحانی به شهادت رسید (کیهان، ۶ مرداد ۱۳۵۹). به‌نظر می‌رسد این آخرین ترور گروه فرقان بود. گرچه در تابستان سال ۱۳۶۰ پس از سوءقصد به جان آیت‌الله خامنه‌ای شواهدی مبنی بر دخالت گروه فرقان به‌دست آمد، اما بسیاری باور دارند که این ترور کار مجاهدین خلق بوده است. فرقان در مجموع حدود بیست ترور انجام داد و چندین ترور دیگر در دستور کار داشت. از میان افراد ترور شده تعدادی مجروح شدند و تعداد به شهادت رسیدند. افراد مجروح عبارت بودند از: ۱. آیت‌الله علی‌اکبر هاشمی‌رفسنجانی ۲. آیت‌الله عبدالرحیم ربانی‌شیرازی ۳. حسین مهدیان ۴. محمدباقر دشتیانه ۵. آیت‌الله رضی شیرازی.

افرادی که ترور در مورد آنان موفق بود و به شهادت رسیدند عبارت بودند از: ۱. تیمسار سپهبد محمدولی قَرَنی ۲. آیت‌الله مرتضی مطهری ۳. حاج مهدی عراقی ۴. حسام عراقی ۵. آیت‌الله دکتر محمد مفتاح ۶. آیت‌الله سید محمدعلی قاضی طباطبایی ۷. پاسدار جواد بهمنی ۸. پاسدار اصغر همتی ۹. حاج محمدتقی حاجی‌طرخانی و افراد دیگری که به انگیزه‌های مختلف ترور شدند: ۱. احمد لاجوردی، سرمایه‌دار تهرانی ۲. محسن بهبهانی، واعظ ۲. هانس یواخیم لایب، تبعه آلمان ۴. کازرونی، سرمایه‌دار اصفهانی.

۸-۳- ویژگی‌های مواجهه مدیریت ارشد کشور با بحران ترور

دومین عنصر مدیریت اقتضایی به توان تصمیم‌گیری سریع و منعطف مدیران کنترل بحران مربوط می‌شود. مدیرانی که تسلط کافی بر ارتباطات بین‌سازمانی و همچنین مهارت مؤثر در کنترل رسانه و افکار عمومی داشته باشند. ترورهای فرقان جو رعب و وحشتی را در جامعه ایجاد کرد. مدیران ارشد کشور مثل رهبری انقلاب و رئیس دولت و... با پیام‌های خود تلاش کردند یأس و ناامیدی را از جامعه دور کنند. پس از هر ترور به‌ویژه پس از ترور شهید مطهری و ترور ناموفق هاشمی‌رفسنجانی پیام آیت‌الله خمینی به‌نوعی روحیه‌بخش و آرامش‌بخش جامعه و مسئولین بود. پس از ترور آیت‌الله مطهری، آیت‌الله خمینی طی پیامی مهم از ایشان به‌عنوان فیلسوف و فقیه متفکر یاد کرد و آن را ضایعه‌ای بزرگ دانست (صحیفه امام، ۱۷/۱۷۸). آیت‌الله خمینی در بخشی از سخنان خود فرمودند: «...بریزید خون ما را، زندگی ما دوام پیدا می‌کند. بکشید ما را ملت ما بیدارتر می‌شود، ما از مرگ نمی‌ترسیم». (اطلاعات، ۱۵ اردیبهشت ۱۳۵۸). نخست‌وزیر، مهندس مهدی بازرگان، نیز در پیامی که به مناسبت هفتمین روز شهادت مرتضی مطهری منتشر کرد، گفت: «آیت‌الله مطهری پیش از آنکه آخرین خدمات خود را انجام دهد، به تلافی مبارزات صادقانه چندین ساله‌اش علیه مارکسیسم با گلوله ضد اسلام و ضد انقلاب شهید شد.» (بازرگان، ۱۳۶۲: ۳۶). بنا براین مشاهده می‌شود که مدیران ارشد کشور از جمله آیت‌الله خمینی در برابر این بحران ناشناخته و خطرناک با پیام‌های امیدآفرین، سعی دارند آرامش را به جامعه بازگردانند. اما در بخش عوامل میدانی مدیریت بحران، برای شناسایی و مقابله با این گروه کوچک اما خطرناک مواعی مهم در سر راه بود که فقط با گذشت زمان و در روند آزمون و خطا سرانجام به موفقیت انجامید.

۸-۴- ویژگی‌های عوامل اجرایی مدیریت بحران

منظور از عوامل اجرایی نیروهای امنیتی، سیاسی، رسانه‌ای، مردم و نوع مشارکت و آمادگی آنان برای واکنش به بحران است. همچنین میزان اعتماد به تصمیمات مدیریت بحران توسط مردم. با توجه به شرایطی که بحران ترور توسط گروه فرقان آغاز شد، سازمان یا نهاد ویژه‌ای که برای چنین مواقعی طراحی شده باشد، وجود نداشت. به عبارت بهتر، سازمان مدیریت بحران به اقتضای شرایط و پس از آغاز بحران شکل گرفت و می‌توان گفت مدیریت بحران ترور از عامل بحران‌ساز (گروه فرقان) عقب‌تر بود. محسن رضایی به‌عنوان اولین فرمانده (وقت) اطلاعات سپاه در این زمینه می‌گوید: ما سه هفته بعد از اولین ترورها، اطلاعات سپاه را راه‌اندازی کردیم؛ یعنی عملیات فرقان زودتر از راه‌اندازی اطلاعات، شروع شده بود. رضایی معتقد است گروه فرقان اگر فرصت پیدا می‌کردند، احتمالاً ده تا پانزده نفر دیگر از سران نظام را شهید می‌کردند. بخش‌های عمده‌ای از اطلاعات در مورد گروه فرقان بعد از دستگیری آن‌ها به‌دست آمد (رضایی، ۱۳۹۴: <https://rezaee.ir>). پس از شهادت آیت‌الله مطهری برای مقامات انقلاب روشن شد که بحرانی جدی در حال شکل‌گیری و گسترش است. مواجهه با این بحران از رویارویی با بحران‌هایی مانند بحران کردستان، آذربایجان و خوزستان کاملاً متفاوت بود. نوع برخورد با آن بحران‌ها به‌هیچ‌وجه نمی‌توانست در برخورد با فرقان به‌کار گرفته شود، زیرا فرقان گروهی کاملاً کوچک و ناشناخته اما خشن بود. این کوچک بودن سبب می‌شد که به‌راحتی در قلب کلان‌شهر تهران در خانه‌های تیمی بتواند مخفی شود. برای مواجهه با این بحران، دستگاه پیچیده امنیتی لازم بود نه مانند بحران‌های دیگر صرفاً نیروی نظامی و انتظامی. پس از فروپاشی ساواک و دستگاه‌های امنیتی رژیم سابق، ساختار جدیدی شکل نگرفته بود و ابزار لازم برای یک کار پیچیده اطلاعاتی موجود نبود. محسن رضایی که در آن هنگام به‌تازگی به سمت فرماندهی اطلاعات سپاه منصوب شده بود می‌گوید آن موقع، بحث‌های مطرح در صحنه سیاسی کشور بحث‌های دیگری بود و اگر احیاناً کسی به مسائل امنیتی توجه هم می‌کرد، برای

مقابله با آن راهکار نداشت یا نمی‌دانست چه کاری باید بکند. دوستان ما در سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی نیز از روی تعهد و علاقه‌ای که به انقلاب داشتند، بدون اینکه کسی به آن‌ها چیزی بگوید، دور هم جمع شدند و گفتند باید فکری کرد، ممکن است گروه فرقان افراد دیگری را هم شهید کند (رضایی، ۱۳۹۴: <https://rezaee.ir>). به قول محسن رضایی بعد از شهادت آیت‌الله مطهری و چند نفر دیگر توسط گروه فرقان، تنها سرنخ‌هایی از خانه‌های تیمی فرقان به دست آمده بود. ایشان می‌گوید: «با این اطلاعات اندک خجالت می‌کشیدیم پیش امام برویم... من خودم را آماده کرده بودم که با اطلاعات کامل خدمت حضرت امام برسم». محسن رضایی در نهایت پس از انهدام خانه تیمی فرقان در بیمارستان قلب تهران خدمت امام می‌رسد و گزارش دستگیری افراد گروه فرقان را می‌دهد. در نهایت آنچه در مورد عوامل میدانی و اجرایی مدیریت بحران مشاهده می‌شود نوعی بی‌سازمانی و تلاش‌های فردی و چند گروه موازی است که نشان‌دهنده عدم آمادگی قبلی برای مواجه شدن با چنین بحرانی است. و تنها با گذشت زمان و آموزش ضمن درگیری، سرانجام موفق به کنترل بحران و جلوگیری از ترورهای بیشتر می‌شود.

۸-۵- سبک و رویکرد مدیریت بحران

سبک و رویکرد مدیریت بحران عنصر چهارم مکتب اقتضایی است که بر این اساس انطباق سبک مدیریتی با موقعیت مورد بررسی قرار می‌گیرد. این موقعیت نیازمند رهبری مشارکتی در هماهنگی نیروها و همچنین نیازمند رهبری دستوری یعنی دستورپذیری نیروهای عمل‌کننده است که به اقتضای لحظه‌های اضطرار و با مدیریت اقتضایی ارتباطات برای کنترل افکار عمومی وارد عمل شوند. مطالعه نحوه برخورد با گروه فرقان نشان می‌دهد که این سبک از مدیریت بحران به کار گرفته شد. هرچند الزاماً آگاهانه و برنامه‌ریزی شده برای انطباق با این نظریه نبود. در طول بحران سازمان اطلاعات تازه تأسیس سپاه که شکل‌گیری

آن، پس از آغاز ترورهای بحران بود، در پی کشف سرنخی از عاملین ترورها برآمد. گرچه اعلامیه‌های فرقان به همین نام صادر می‌شد اما هیچ‌کس نمی‌دانست گروه فرقان چه کسانی هستند. اطلاعات سپاه بیشتر از تردد و رفت‌وآمد آن‌ها به برخی مطالب کلی دست پیدا کرده بود و حتی متوجه شده بود که طرح ترور شهید مفتاح در حال شکل‌گیری است (رضایی، ۱۳۹۴: <https://rezace.ir>). به گفته محسن رضایی بیشتر اطلاعات به‌دست‌آمده، ناشی از تعقیب و مراقبت شناسایی خانه‌های تیمی فرقان بود. گرچه یک عامل نفوذی در میان آن‌ها نفوذ کرده بود، اما امکان نفوذ در رده مدیریت بالای فرقان و شورای تصمیم‌گیری آن، در آن زمان اندک، ممکن نشد. رضایی نقش سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی را در کنترل بحران فرقان بسیار پر رنگ می‌داند و می‌گوید: اگر از کادر سازمان (مجاهدین انقلاب اسلامی) استفاده نمی‌کردیم، واقعاً نمی‌دانستیم چه کار کنیم! بعد از مدتی، آقای هاشمی‌رفسنجانی تیم آقای حسین معماری را به من معرفی کرد. این تیم خودشان به‌طور خودجوش کار روی فرقان را شروع کرده بودند. من به آن‌ها گفتم شما کارتان را ادامه دهید. بنابراین دو تیمی که روی فرقان کار می‌کرد را باهم مرتبط کردیم و بعد از سه چهار ماه کار، در مهر ۱۳۵۸، این دو تیم باهم هماهنگ شدند، ولی محور اصلی کار همان هسته‌ای بود که از بچه‌های سازمان (مجاهدین انقلاب اسلامی) آمده بودند (رضایی، ۱۳۹۴: <https://rezace.ir>). این سازمان - که در آن زمان گویا مسلح نیز بود و سلاح در اختیار داشت - با رخنه برخی از اعضای آن به درون فرقان زمینه انهدام آن را فراهم کرد. مرتضی الویری یکی از اعضای سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی با تأیید روایت محسن رضایی می‌گوید: به گفته الویری افراد گروه فرقان هنگام درگیری به شدت مقاومت می‌کردند. گودرزی زندگی ساده و زاهدانه‌ای داشت و روی گلیم پاره و مندرسی زندگی می‌کرد و زندگی افراد گروه، انسان را به یاد خوارج می‌انداخت (مبتا، ۱۳۷۵: ۸۸-۸۶). دستگیری اعضای گروه فرقان به یک‌باره انجام نشد اما اکثر اعضای آن در طول دی و بهمن ۱۳۵۸ دستگیر شدند. در جریان عملیات

دی ۱۳۵۸ نیروهای سپاه توانستند همه اعضای فرقان از جمله گودرزی، رهبر آنان را به دام اندازند. دو نفر از اعضای این گروه توانستند بگریزند که بعدها به خارج از کشور رفتند. افراد باقی مانده گروهک فرقان تا اوایل سال ۱۳۶۰ همچنان به انتشار برخی از جزوات و اعلامیه‌ها می‌پرداختند و حتی از ترورهای مجاهدین خلق نیز به نوعی سوءاستفاده کرده و آن‌ها را با اندیشه‌های خود پیوند می‌دادند (جعفریان، ۱۳۸۹: ۸۹). روزنامه کیهان روز ۲۲ دی ۱۳۵۸ در گزارش اصلی خود از بازداشت رهبر و ۴۵ عضو گروه فرقان خبر داد. عملیات دستگیری اکبر گودرزی در ۱۳۵۸/۱۰/۱۸ انجام شد. خانه‌ای که اکبر گودرزی در آن مخفی شده بود، در میدان انقلاب، خیابان جمال‌زاده، کوچه اخوان، شماره ۲۳ و پشت ساختمان جهاد سازندگی بود (جعفریان، ۱۳۸۳: ۲۷۳). پس از دستگیری اعضای فرقان، آقای ناطق‌نوری ضمن صحبت با دکتر بهشتی از ایشان خواست که در محاکمه آن‌ها با قاطعیت صورت بگیرد. دکتر بهشتی نیز از وی خواست تا خود به عنوان قاضی پرونده، روند محاکمه را در دست بگیرد. سرانجام، حکم قضاوت آقای ناطق‌نوری با تأیید آیت‌الله خمینی و امضای آیت‌الله منتظری و آیت‌الله مشکینی صادر شد.

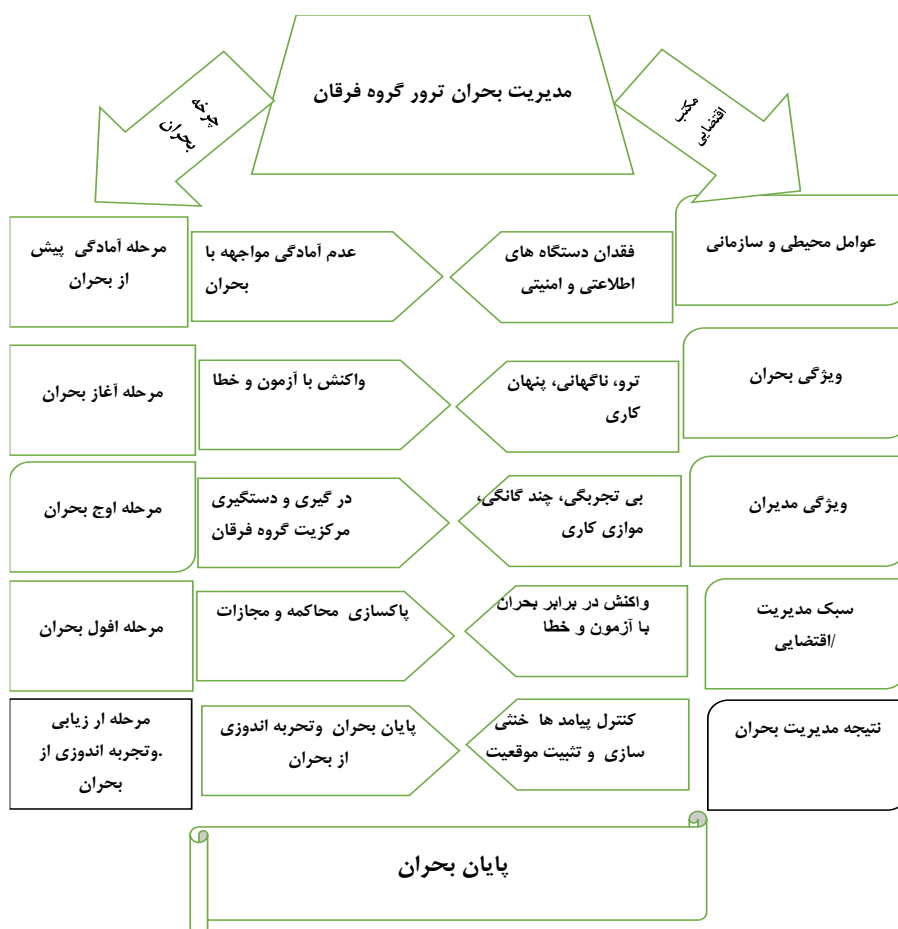
۸-۶- پایان کار گروهک فرقان

جریان محاکمه اعضای فرقان در نهایت دقت و با رعایت موازین انسانی و شرعی انجام گرفت. قاضیان شرع که آقایان ناطق‌نوری، معادیخواه و انواری بودند با این اندیشه که جوانان کم‌سن و سال فریب رهبران فرقان را خورده‌اند، با دیده اغماض محاکمات را اداره می‌کردند (جعفریان، ۱۳۸۳: ۲۷۴؛ نک: میردار، ۱۳۸۲: ۱/۱۸۷). اعضای فرقان در همان جلسات نخست به جنایات خود اعتراف کردند... با اعضای فرقان برخورد اعتقادی صورت می‌گرفت و از برخورد از موضع قدرت و حکومت پرهیز می‌شد؛ بنابراین نهایت رعایت انصاف و مدارا و پرهیز از برخورد انتقام‌گونه با آن‌ها در جریان محاکمات انجام شد و حتی

به اعضای فرقان مرخصی از زندان داده می‌شد (رضایی، ۱۳۹۴: <https://rezaee.ir>). به‌گفته محسن رضایی آن‌ها حتی پدر و مادر و خواهر و برادران خود را توجیه کرده بودند که ما اشتباه کردیم. برای ما دعا کنید تا خدا توبه ما را بپذیرد. از میان دستگیرشدگان فقط شش نفر به اعدام محکوم شدند. اکبر گودرزی، سعید مرآت، علی حاتمی، حسن اقرلو، عباس عسگری و علیرضا شاه‌بابایی جزو محکومین به اعدام بودند. حکم اعدام آن‌ها در سحرگاه سوم خرداد ۱۳۵۹ به اجرا درآمد. مرگ گودرزی نتیجه عکس داد و فرقانی‌های فریب‌خورده، گروه‌گروه به دامن نظام اسلامی بازگشتند. آن‌ها ضمن حضور در جبهه‌های جنگ، برخی نیز به شهادت رسیدند (جعفریان، ۱۳۷۴: ۲۷۶؛ نک: میردار، ۱۳۸۲: ۱۸۷/۱). فرقان گروهی کم‌شمار اما خطرناکی بود؛ زیرا ظاهر مسئله این بود که تعدادی با شعار اسلام و متدین، نمازخوان، نماز شب‌خوان و دائم روزه‌دار اعضای این گروه بودند و اولین گروه به‌ظاهر مذهبی و متدین بودند که دست به کشتار مسئولین اولین حکومت دینی در عصر غیبت زدند. اگر افرادی مثل مطهری و مفتاح به شهادت نمی‌رسیدند می‌توانستند نقش بسیار مثبتی در روند تحولات بعدی ایفا کنند. سال‌ها بعد که انقلاب فرهنگی به وجود آمد، خلأ مطهری کاملاً احساس شد (رضایی، ۱۳۹۴: <https://rezaee.ir>).

افراد برجسته دیگری در فهرست ترور گروه فرقان قرار داشتند که به‌دلیل شناسایی تشکیلات تروریستی فرقان توسط نیروهای امنیتی و دستگیری سران و اعضای آن، این ترورها ناکام ماند. از جمله افرادی که در لیست ترور قرار داشتند عبارت بودند از: ۱. آیت‌الله دکتر سیدمحمد حسینی‌بهشتی ۲. دکتر محمدجواد باهنر ۳. آیت‌الله سیدعبدالکریم موسوی‌اردبیلی ۴. آیت‌الله محمد امامی‌کاشانی ۵. حجت‌الاسلام والمسلمین علی‌اکبر ناطق‌نوری ۶. دکتر ابوالحسن بنی‌صدر ۷. آیت‌الله محمد حقی ۸. حجت‌الاسلام والمسلمین خوانساری ۹. تیمسار ولی‌الله فلاحتی (کردی، ۱۳۸۸: ۲۶۶). بنابراین بحرانی خطرناک که از ماه‌های اول پیروزی انقلاب شروع شد و کم‌کم اوج گرفت و حدود ۱۰ ماه به طول انجامید

توانست افراد دانشمند و نخبگانی مثل مطهری، قرنی، مفتاح و... را از ملت بگیرد. در نهایت در دی ۱۳۵۸ با انهدام خانه‌های تیمی و دستگیری اکثر اعضای گروه فروکش کرد. بحران گروه فرقان با اعدام سرکرده فرقه پایان یافت و تعداد بسیاری از اعضا که نقش مستقیمی در ترورها نداشتند، به دامن جامعه بازگشتند. همچنین مدیریت این بحران تجربه‌ای را به دست داد که در مهار بحران‌های بعدی کم‌وبیش به کار گرفته شد.



نمودار مدیریت بحران ترور گروه فرقان بر اساس چرخه بحران و مکتب اقتضایی

جمع‌بندی

بحران ترور در سال ۱۳۵۸ یکی از چالش‌های پیچیده و چندبُعدی با محوریت گروه فرقان و نخستین آزمون عملی انقلاب اسلامی در حوزه سیاسی - امنیتی بود. در این مقاله سعی کردیم با تکیه بر نظریات مدیریت بحران به بازخوانی و بررسی موضوع گروه فرقان را از منظر تئوری‌های مدیریت بحران مورد بررسی قرار دهیم. مقابله با بحران ترور گروه فرقان، نخستین آزمون عملی انقلاب اسلامی در حوزه سیاسی - امنیتی است. در این میان نبود نهادهای امنیتی در دولت تازه‌تأسیس انقلاب و فروپاشی نهادهای امنیتی پیشین در شکل‌گیری و استمرار بحران نقش مهمی داشت. بنابراین با توجه به غافلگیرانه بودن عملیات ترور و غیرقابل انتظار بودن آن روشی را که برای خنثی کردن آن به کار گرفته شد، می‌توان «روش اقتضایی» دانست. مدیریت اقتضایی در برخورد با این گروه با به‌کارگیری تاکتیک‌های مختلف و با کمک از شبه‌نظامیان غیررسمی (سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی) سرانجام به نتیجه رسید و توانست ضمن مقابله با بحران ترور از آغاز و شکل‌گیری آن تا ورود به مرحله اوج بحران، سرانجام بحران را وارد مرحله افول نماید و بحران ترور را موقتاً خاموش کند. تجربه بحران گروه فرقان نشان داد که علی‌رغم وجود اتحاد کم‌نظیر مردمی یک گروه بسیار کوچک اما خشن می‌تواند چالش بسیار بزرگی برای دولت و جامعه ایجاد کند. بنابراین تسریع در احیای ساختارهای اطلاعاتی و امنیتی ضرورت اجتناب‌ناپذیر یافت. از سوی دیگر، مدیریت قاطع و برخورد هوشمندانه با عوامل بحران و نحوه کشف و شناسایی آن، همچنان الهام‌بخش مدیریت چالش‌های بعدی شد، از جمله مقابله با ترورهای خونین تابستان ۱۳۶۰ توسط سازمان مجاهدین خلق که می‌توان دومین بحران ترور نامید.

منابع

الف) کتاب‌های فارسی:

۱. ابتکار، معصومه (۱۳۸۷). تسخیر، چ ۲، تهران: انتشارات اطلاعات.
۲. ابوالحسنی‌منذر، علی (بی‌تا). تبیینی از فلسفه سیاسی، اجتماعی، اخلاقی و فرهنگی فرقانیسم، قم: انتشارات کوثر.
۳. اختری، عباسعلی (۱۳۶۹). مدیریت علمی مکتبی از دیدگاه اسلام، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
۴. بازرگان، مهدی (۱۳۶۲). مسائل و مشکلات اولین سال انقلاب، تهران: گردآورنده و ناشر مهندس عبدالعلی بازرگان.
۵. جعفریان، رسول (۱۳۸۳). جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی سیاسی ایران، (سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۵۷)، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۶. خواجه‌سروی، غلامرضا (۱۳۸۲). رقابت سیاسی و ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۷. دفتر ادبیات انقلاب اسلامی (دُرما) (۱۳۷۵). خاطرات مرتضی الویری، تهران: انتشارات سوره.
۸. رحیمی‌روشن، حسن (۱۴۰۰). مدیریت بحران‌های سیاسی اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات دیدمان.

۹. رضاییان، علی (۱۳۷۹). مبانی سازمان و مدیریت، تهران: انتشارات سمت.
۱۰. زاهد، فیاض و سلطانی‌فر، محمد (۱۳۸۸). «مفهوم‌شناسی مدیریت بحران‌های بین‌المللی»، مجله پژوهشنامه، ش ۳۸.
۱۱. زیباکلام، صادق (۱۳۷۸). مقدمه‌ای بر انقلاب اسلامی، ج ۳، تهران: انتشارات روزنه.
۱۲. شاون پی، مک کارتی (۱۳۸۱). نقش اطلاعات در مدیریت بحران، ترجمه محمد رضا تاجیک، تهران: فرهنگ گفتمان.
۱۳. عباس‌زادگان، سید محمد (۱۳۶۶). اصول و تفاهم اساسی مدیریت، تهران: سروش.
۱۴. علی‌بخشی، عباس (۱۴۰۰). جهل مقدس؛ اکبر گودرزی (رهبر گروه فرقان) به روایت اسناد، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی تهران.
۱۵. فوزی، یحیی (۱۳۸۴). تحولات سیاسی اجتماعی بعد از انقلاب اسلامی در ایران، ج ۱، تهران: نشر عروج.
۱۶. کاظمی، علی‌اصغر (۱۳۶۶). مدیریت بحران‌های بین‌المللی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه.
۱۷. کردی، علی (۱۳۹۰). گروه فرقان، ج ۲، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۸. گاس انگناس، وایان میتراف (۱۳۸۱). مدیریت بحران پیش از روی‌دادن، ترجمه محمود توتونچیان، تهران: مؤسسه آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.

۱۹. موسوی اردبیلی، عبدالکریم (۱۳۶۴). *غائله ۱۴ اسفند ۵۹ (ظهور و سقوط ضد انقلاب)*، تهران: انتشارات نجات.

۲۰. نوروزی فرسنگی، احمد (۱۳۸۳). *ناگفته‌هایی از زندگی سپهبد قرنی*، چ ۲، تهران: انتشارات زهد.

۲۱. واثقی، محمدحسین، (۱۳۷۸). *مصلح بیدار*، تهران: انتشارات صدرا.

ب) اسناد:

۱. سامانه اسناد و مدارک کتابخانه ملی ایران (ساکما). تصاویر شماره‌های ۷ و ۸.

۲. مرکز بررسی اسناد تاریخی (مبتا). تصاویر شماره‌های ۱ و ۲ و ۵.

۳. مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی (مپس). تصاویر شماره‌های ۳ و ۴ و ۶.

ج) مقالات:

۱. آفاگلزاده، غلامحسین (۱۳۹۴). «تجزیه با تحلیل فرهنگ سازمانی مکتب مدیریت کلاسیک از دیدگاه اسلام». *نشریه توسعه مدیریت منابع انسانی و پشتیبانی*، ش ۳۵، ص ۲۱ تا ۵۲.

۲. باقری، مصباح‌الهدی (۱۳۸۰)، «جنبه‌هایی از مدیریت بحران پیامبر اکرم (ص) با تأکید بر موارد خاص: چهار غزوه بدر، احد، احزاب و تبوک»، *مجله پژوهشنامه حقوق*، ش ۳ و ۴، ص ۳-۲۱.

۳. جعفریان، رسول (۱۳۸۹). «فرقان: برکشیده نظریه تشیع علوی و صفوی»، مجله یادآور، شماره ۶ و ۷ و ۸.
۴. سعیدی، لیلا؛ یاراحمدی، محسن (۱۳۸۹). «مدیریت بحران»، مجله پژوهشنامه حقوق، ش ۵۱.
۵. سهرابی، محمد؛ نکویی، محمد (۱۳۸۶). «ارزش‌های پیشگیری سیستمی در مدیریت بحران‌های امنیتی»، مجله نگرش راهبردی، آذر و دی، ش ۸۵ و ۸۶.
۶. کردی، علی (۱۳۸۸). «التقاط در کژ راه‌ ترور: نیم‌نگاهی به کارنامه ترورهای فرقان پس از پیروزی انقلاب اسلامی»، کتابنامه فرهنگی تاریخی یادآور، ش ۶ و ۷ و ۸.
۷. مجله شاهد یاران (۱۳۸۸). «گروه فرقان و شهادت آیت‌الله قاضی طباطبایی» مصاحبه شونده: حمیدرضا نقاشیان، شماره ۵۱، ص ۷۸.
۸. مجیدپور، مسعود (۱۳۹۰). «سیر تحول مکاتب مدیریت و لزوم اجرای تئوری‌های آن در سازمان‌ها»، ماهنامه بین‌المللی سیمان و افزودنی‌ها، س ۸، ش ۱.
۹. محمودی، اسماعیل؛ رهبری، عباس (۱۴۰۲). «تبارشناسی ترورهای سیاسی در ایران از اسماعیلیه تا گروه فرقان»، مجله مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه، دوره ۹، ش ۴، ص ۵۳۲-۵۴۷.
۱۰. مدنی، داوود (۱۳۷۱). «تئوری اقتضا و تحقیقات کاربردی در مدیریت»، نشریه مطالعات مدیریت، شماره ۶، ص ۱۰۱ تا ۱۲۱.

۲۳۸ دوفصلنامه تحقیقات اسنادی انقلاب اسلامی، سال هشتم، شماره ۱۵، بهار و تابستان ۱۴۰۵

۱۱. مشکانی، علیرضا، قراری، محمد و ، منصوره (۱۳۹۵). «سیر تحول اندیشه مدیریت در سیمای مکاتب و صاحب نظران علم مدیریت»، فصلنامه مطالعات مدیریت و کارآفرینی، دوره ۲، ش ۱۲، ص ۶ تا ۷۰.

(د) سایت‌ها:

۱. خبرگزاری فارس (۱۴۰۲). «اولین ترور»، قابل دسترسی در:

https://farsnews.ir/Wire_Plus/1682425672000865385

۲. رضایی، محسن (۱۳۹۴). «دستگیری گروه فرقان»، وبگاه رسمی محسن رضایی قابل دسترسی در:

<https://rezaee.ir/fa/news/2666>

۳. نگاهی به آغاز و پایان گروه فرقان (۱۴۰۰). وبگاه مرکز بررسی اسناد تاریخی (مبتا)، قابل دسترسی در:

<https://historydocuments.ir/?page=post&id=4208>

۴. حسینی، رضا (۱۳۸۹). «نگاهی به ترورهای گروه فرقان»، قابل دسترسی در:

<https://sayna.blogsky.com/1389/03/12/post-25>

۵. جعفریان رسول، (۱۴۰۰). «تبارشناسی گروه فرقان»، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، قابل دسترسی در:

<https://psri.ir/?id=s6jieial>

بررسی چگونگی مدیریت «بحران ترور» در سال ۱۳۵۸ (مطالعه موردی گروهک فرقان)..... ۲۳۹

۶. خمینی، روح الله، صحیفه امام خمینی، ج ۱ و ۵ و ۱۱ و ۱۲، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، نسخه الکترونیکی قابل دسترسی در:

www.imam-khomeini.ir/fa/page/210

۷. مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی (مُتما) (۱۴۰۰). «ناکامی گروه فرقان در ترور هاشمی رفسنجانی»، قابل دسترسی در:

<https://psri.ir/?id=ibm4rt8c>

۸. نواندیش، ع (۱۳۸۹). «بررسی نسبت فرقان با شریعتی به نقل از ناگفته‌های عزت‌الله سبحانی از ترورهای دهه ۱۳۶۰»، تاریخ انتشار: ۹ تیر ۱۳۸۹، قابل دسترسی در:

talar.shandel.info/thread-388-post-6043.html#post_1698

ه) روزنامه‌ها:

۱. روزنامه اطلاعات، تاریخ‌های ۵۸/۲/۱۲، ۵۸/۲/۱۸، ۵۸/۴/۱۸، ۵۸/۴/۲۴، ۵۸/۴/۲۶،

۵۸/۶/۳۰، ۵۸/۹/۱۳، ۵۸/۲/۱۷، ۵۸/۲/۱۲، ۵۸/۲/۱۵، ۵۸/۲/۱۸، ۵۸/۱۰/۱۷.

۲. روزنامه کیهان، تاریخ‌های ۵۸/۲/۴، ۵۸/۳/۶، ۵۸/۴/۱۸، ۵۸/۴/۳۰، ۵۸/۱۲/۱۴،

۵۸/۱۰/۲۲، ۵۹/۹/۶، ۵۹/۱۰/۲، ۵۸/۱۰/۲۲.

۳. روزنامه انقلاب اسلامی، تاریخ ۵۸/۸/۵.

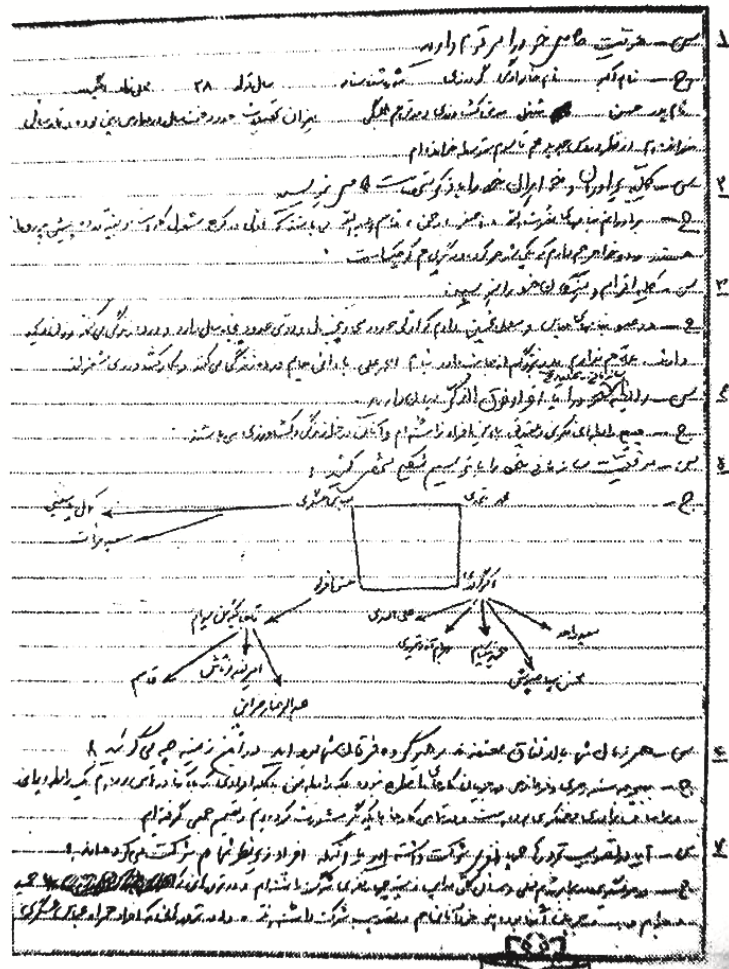
ضمایم

در این بخش، تصاویر تعدادی از مهم‌ترین اسنادی که به صورت مستقیم در نگارش مقاله حاضر استفاده شده است یا به نوعی به مطالب مطرح شده ارتباط دارد، ضمیمه می‌گردد.



مباحثه با
 رابرت گاردنر
 بازجویی از

بازجویی از...



سند شماره ۱

(مبتا)؛ برگه بازجویی از اکبر گودرزی، توضیحاتی پیرامون زندگی شخصی و روابط

سازمانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فرقان

وَرَبُّهَا أَنْ تَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَفْسَحُوا فِي الْأَرْضِ
وَيَجْعَلَهُمْ آيَةً وَيَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ

موضع قرآن و ضمیر مومن در برابر مناصر مشرک و منافق موضعی خصمانه است، و هر مدار نابود کردن و از میان بردن آنها را دور میزنند. " اصول تفکر قرآنی (توسعه کتاب دوم) صفحه ۱۰۲ "

اعدام انقلابی قیامسار سرلشکر محمدولی قره‌نی:

سند شماره ۲

(مبتا)؛ اطلاعیه گروه فرقان در شهادت سرلشکر قرنی

بررسی چگونگی مدیریت «بحران ترور» در سال ۱۳۵۸ (مطالعه موردی گروهک فرقان)..... ۲۴۳



سند شماره ۳

(مُتَمَّا)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اعدام انقلابی سید رضی شیرازی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا أَيُّهَا الْمُسْلِمُونَ يَا أَيُّهَا الْمُسْلِمُونَ يَا أَيُّهَا الْمُسْلِمُونَ

أَيُّهَا الْمُسْلِمُونَ يَا أَيُّهَا الْمُسْلِمُونَ يَا أَيُّهَا الْمُسْلِمُونَ

(۱۳۸۰ و ۱۳۹)

فرقان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ترجمه: منافقین را مؤده بده که قطعا. برایشان شکنجه‌ای کشنده است
آنها که کافرین را همپا لکی‌هایی سوی مؤمنین می‌گیرند
آیا پیش‌آنها بزرگی می‌جویند، پس قطعا آن عزت و بزرگی
بطور کلی برای خداوند است.

منافقین این عناصر منفور و هزارچهره در طرز تفکر قرآسی و در حرکت
توحیدی پیامبر در موضع خیانت و نیرنگ و کارشکنی و قلب‌حافی و تحریف
واقعیات و آیات خداوند و "بدعت‌گذاری در دین" جایگاهی ویژه دارند (۱) آنان
بر خلاف کافرین که میان خود و ایدئولوژی توحیدی "حریمی" قائلند در زیر
"پوشش دین" در تمامی خیانتها و ضربه‌زدنها دست دارند. این کافرین داخلی
حزب توحیدی از هیچ خدمه و نیرویی در جهت پیشبرد مقاصد خود باز نمی‌مانند و
موضع عناصر انقلابی مؤمن در برابر آنان و در زمینه اعمال خشونت و قهر انقلابی
بیکار خونین است آیه مورد بحث به نمونه روشن این موضعگیری توجه میدهد

منافقین را مؤده بده که قطعا برایشان شکنجه‌ای کشنده است.

این عذاب دردناک و شکنجه کشنده صرف نظر از تحقق جامع و کامل آن در
نظام برتر اشاره به محتوای آیه ۹ سوره تحریم است که از ضرورت بیکار
خونین پیامبر و اعمال خشونتش در برابر کافرین و منافقین سخن گفته، جالب
توجه بیان ماهیت منافقین در آیه بعد از دیدی خاص میباشد:

آنها که کافرین را همپا لکی‌هایی سوی مؤمنین می‌گیرند، آیا
پیش‌آنها بزرگی می‌جویند؟ پس قطعا آن عزت و
بزرگی بطور کلی برای خداوند است"

بطوریکه ملاحظه می‌شود منافقین با دشمنان خارجی و منافق‌ها و ضد
توحید بند و بست داشته و به دوستی با آنان مفتخرند. دوستی‌ای که از نظر
کافرین مزدوری است. بدین معنا که در طرز تلقی کافرین، منافقین عناصر

۱- درباره منافقین، توحید کتاب دوم و تفسیر سوره بقره را بخوانید.



وَرَبُّنَا نَعْلَمُ عَلَى الدِّينِ انْتِفِئُوا فِي الْأَرْضِ
وَجَاهِلُوا أَيْمَانَكُمْ وَجَاهِلُوا الْوَارِثِينَ

فرقان

(اعدام انقلابی هانس یواخیم لایب)

ما برای تداوم بخشیدن به مبارزات پیام آوران تاریخ و تحقق اندیشه توحیدی
اولاد رویم تا خدا گم‌برگشورمان و نظام بنی (تجاوزکار داخلی)، و شایسته
مواهل " متناقض " و عناصری که بدروغ مدعی دران تعارض خود را شناسایی کرده
غولنوی اسلامی هستند و ما نمی توانیم جهت توده ای شدن انقلاب می باشند. ثالثا
با نقضکنان همه حلقه های معرکه جهان و قدرتها ی طاغوتی همکاری کنیم و
مواهلان همه حلقه های انقلابی توحیدی و آزادی توده ای را با همه و
فرزندان دلبسته ای از دست دروغمان حاکم و احقاق حقوق آنها هستیم و موضوعی
ما در برابر موضوعه های که پیش میرویم بر اساس اولویت ها و اولویت ها
(برای دریافت این مطلب به مقدمه کتاب اصول تفکر قرآنی رجوع کنید)

در مرحله غیب انقلاب مهمترین و سازنده ترین حرکت انقلابی مبارزه مسلحانه میباشد

و اصول تفکر قرآنی، جهت میل به مبارزه انقلابی

سند شماره ۵

(مبتا)؛ اعلامیه ترور هانس یواخیم

بررسی چگونگی مدیریت «بحران ترور» در سال ۱۳۵۸ (مطالعه موردی گروهک فرقان)..... ۲۴۷



سند شماره ۷

(ساکما)؛ اکبر گودرزی

۲۴۸ دوفصلنامه تحقیقات اسنادی انقلاب اسلامی، سال هشتم، شماره ۱۵، بهار و تابستان ۱۴۰۵



سند شماره ۸

(ساکما)